

مردم کردستان صلح و آزادی می خواهند

اما سرکوبگران خلق کرد هر روز صدها تن از مردم زحمتکش کرد را
به خاک و خون می کشند

● مردم سقز برای در امان ماندن از آتش خمپاره و بمب و توپ و راکت، خانه و کاشانه خود را رها می‌کنند و به شهرها و دهات اطراف می‌روند.



پسے خرچہ نہ کیا، یہ دم نہ ملائی جوتہ پا کہ مر گوتہ و کار نہایت جیہ غلطیہات، گرفتاری مر گوتہ۔

خلق قهرمان کرد ، خواستار قطع جنگ و صلح عادلانه در کردستان است

با جنگ و گشتار نمی توان مردمی را که برای کسب حقوق خود بپا خاسته اند، از ادامه مبارزات حق طلبانه باز داشت.

در صفحہ ۱۵

فتودالها بكمك مستولين دولتي

می خواهند
منطقه فارس را

به خون بکشند
پاسداران مستغنی از سپاه

پاسداران استخوان قارس:

آقایان (مسئولین منطقه)
تمام نیروی انرژی خویش را
صرف تفرقه اندازی و ... و
توطئه در مدارس می کنند .
اینها همه در زمانی صورت
می پذیرد که عاملین گشتار
خونین روزگشنبه سیاه شیراز
(پیش از قیام) پس از
بازجویی مختصری ، آزادانه
به توطئه و تحریک مشغولند
درصدد ۲۲

بر صفا ۲۲

ترکیب مجلس و آرمانهای آقای رئیس جمهور

با برگزاری مرحله دوم انتخابات و مشخصتر شدن ترکیب سیاسی مجلس چشم انداز وضعیت سیاسی جامعه با روشنی بیشتری قابل ترسیم است.

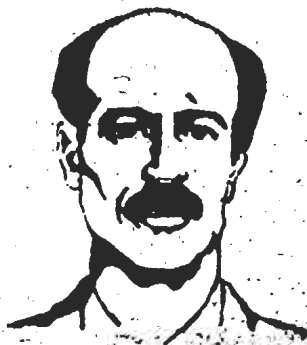
در جریان انتخابات ریاست جمهوری و در نخستین روزهای ریاست جمهوری بنی صدر، ما تاکید کردیم که تشدید تضاد بنی صدر با حزب جمهوری اسلامی امر ناگزیری است. درگیری بنی صدر با حزب جمهوری اسلامی در جریان انتخابات ریاست جمهوری نشان می داد که تصدی پست ریاست جمهوری توسط بنی صدر به تشدید تضادهای درونی بلوک قدرت خواهد انجامید که در رشد خود ترکیب تازه ای از تعادل نیروهای سیاسی به وجود خواهد آورد.

بنی صدر در مباحثات مجلس خبرگان نیز نشان داده بود که در نوع نگرش و شیوه های سیاسی اداره امور و حل مسائل دارای اختلافات جدی با نمایندگان حزب جمهوری اسلامی است. با انتخاب بنی صدر به ریاست جمهوری، حزب جمهوری اسلامی روز به روز بیشتر به این نتیجه رسید که "مالک الرقابی" آن در دستگاه های رهبری سیاسی با مخاطرات روبرو شده است. برای نخستین بار شخصیت رسمی اجرائی متولد می شد که بنا به سوابق خود تابعیت بی چون و چرا از روحانیت دارای نفوذ و قدرت را تا حدودی زیر علامت سؤال می برد. هرچند که موقع و نقش آیت الله خمینی در اعمال این رهبری هنوز بی چون و چرا و بلا منازع باشد.

و بعد مراجع باشد .
شخص بنی صدر بارها بر این نکته تاکید کرده بود که
ترکیب مجلس باید تا آنجا که امکان پذیر است ، بالاترین
همه انگي را با قوه مجریه که وی عالی ترین مقام آن را بر
عهده دارد ، داشته باشد . به این دلیل بنی صدر و دفتر
همه انگي او در انتخابات مجلس کوشش کردند لیستی ارائه
دهند که ترکیب سیاسی مجلس را به سود رئیس جمهور
دیگرگون سازد .
بقیه در صفحه ۲

خبر و روزبه نل می که همیشه در خاطره مردم مین عازنده خواهد ماند

خسرو روزیہ :
”جان دادن بہتر کہ گریختن بہ نامردی“



یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه
صادف بود با بیستمین
سالروز شهادت رفیق خسرو
روزبه یکی از درخشان ترین
چهره های انقلابی جنبش
کمونستی و کارگری ایران.
بزرگداشت خاطره رفیق
خسرو روزبه، برای همه
انقلابیون، کمونیست ایران،
آکنده از آموزشهای بزرگ
است. بقیه در صفحه ۲

بقية در صفحه ۲

بکوشیم تا با استقرار صلح در گردنستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امیر یال یسم آمریکا تحکیم بخشیم

عليه امير ياليسم امريكا تحكيم بخشيم

در این شماره:

- ۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

ترکیب مجلس و ...

بقیماز صفحه ۱

در عین حال بنی صدر از همان نخستین روزهای ریاست جمهوری، برای ایجاد تعادل تازمای از نیروها به سود خود سیاستی را پیش برد تا "ترکیب نیروهای اپوزیسیون" را حتی الامکان در جهت تثبیت سیاسی خود با تغییراتی روبرو سازد. این سیاست در آنجا که به اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دمکرات مربوط می شود، متوجه به تأخیر انداختن "وحدت" نیروهای دمکرات با انقلابیون کمونیست است. سیاست بنی صدر بخصوص با در نظر گرفتن نفوذ و اعتبار در حال گسترش نیروهای انقلابی و دمکرات در بین توده های مردم متوجه استفاده های سیاسی "مطلوب" از یک نیروی اپوزیسیون نیرومند برای ایجاد یک تعادل سیاسی بین خود و حزب جمهوری اسلامی به سود خویش است. دفاع بنی صدر از حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی در مقابل آن بخش از سیاستهای این حزب که به آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک نه تنها بی اعتناست بلکه در جهت سرکوب آن عمل می کند، در عین حال ناظر بر چنین ملاحظاتی هم هست.

بنی صدر در دو هفته اخیر در پیشبرد این سیاست، گام های "شجاعانه" ای به جلو برداشت. او رسماً از اتحاد نیروهای سنتی مذهبی با "روشنفکران تقاطعی" دفاع کرد. اعلامیه های توضیحی که در حمایت از مسعود رجوی برای انتخاب در مجلس با امضای دکتر حبیبی و مهندس سجایی دوتن از حامیان نزدیک بنی صدر در شورای انقلاب انتشار یافت، در حقیقت همان سیاست رئیس جمهور بود. که رسماً از جانب آیت الله خمینی مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفت. اما رئیس جمهور در سخنانی که در نخستین جلسه "سمینار انقلاب فرهنگی" ایراد کرد، به مردم گفت که می باید شجاعت اظهار عقیده و اندیشیدن مستقل را به دست آورند و از اظهار عقیده نهراسند.

امروز انتخابات پایان یافته است و حزب جمهوری اسلامی اکثریت قاطعی را در مجلس به دست آورده است. اکثریتی که بقول آیت الله بهشتی "ائتلاف" را در فرهنگ سیاسی اسلامی خود، مفهوم خوشایند و مقبولی نمی شناسد.

قابل پیش بینی است که مجلس، کانون پرخان زای دیگری باشد که تضادهای درونی "حکومت" را شدت خواهد داد و اصطکاکهای تازه ای را با سیاست های رئیس جمهور به نمایش خواهد گذارد و این حقیقت بدون تردید رئیس جمهور را وادار خواهد کرد که در طیف نیروهای اپوزیسیون از لیبرالها گرفته تا "اپوزیسیون ضد امپریالیست" متحدینی برای خود جستجو کند و در صدد تحکیم آن توازن نیرویی برآید که به تثبیت سیاسی او یاری رساند.

در چنین شرایطی سازمان ما وظیفه دشواری را برعهده دارد. از سویی می باید برای تحکیم و تقویت جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران، مبارزه قاطع و پیگیر خود را علیه "سرمایه داران لیبرال" که دشمنان مردم ما هستند و خواهان متوقف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی آنان هستند به پیش برند و از سوی دیگر از آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم دفاع کرده و با سیاستهای ضد دمکراتیک حزب جمهوری اسلامی مبارزه کند و تازه همه اینها را باید در راستای "ایجاد صف مستقل طبقه کارگر" و "کوشش در راه" اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دمکرات یعنی نیروهایی که واقفا خواستار پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی هستند، به پیش برند.

ما که اعتقاد داریم ست اصلی وارد آوردن ضربه باید متوجه "سرمایه داران لیبرال" باشد، باید به آنگونه از حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی دفاع کنیم که خط و مرزهای ما را با "سرمایه داران لیبرال" مخدوش نسازد. این سیاست با دفاع از دمکراسی انقلابی، دمکراسی بورژوازی را افشا خواهد کرد، از نهادهای توده ای دفاع خواهد نمود و با افشای سیاست تخریب این نهادها، پاسدار حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی خواهد بود و توضیح خواهد داد که چگونه چنین سیاستی در خدمت تحکیم "اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیست" برای نابودی واقعی سلطه امپریالیسم و دستیابی به استقلال، کار، مسکن و آزادی است.

به این ترتیب ما مجاز خواهیم بود که از هر تریبونی (مانند میزگرد روزنامه اطلاعات) که به ما فرصت و اجازه این را می دهد که پیام خود را به گوش مردم برسانیم، در جهت سیاست های خود استفاده کنیم، علیه لیبرالها و سیاست های حزب آنان مبارزه کنیم و همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات را به اتحاد عمل در مقابل امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا تشویق نمائیم. بصورتی که تا آنجا که امکان پذیر است، مانع از اتحاد عمل نیروهای شوم که خواهان سرکوب جنبش کمونیستی ایران هستند. همانطور که وظیفه داریم از سیاست تخریب اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات با انقلابیون کمونیست جلوگیری، به عمل آوریم و مانع از تقویت "جبهه سرمایه داران لیبرال" و کسب اعتبار برای آنان شویم.

خسرو روزبه نامی که همیشه در خاطره مردم مین مانده خواهد ماند

خسرو روزبه: جان دادن بهتر...

بقیماز صفحه ۱

حشمتیه قدم می زند. او را به میدان تیر می برند، لشکری از مراقبین مسلح دور تا دور او را گرفته اند. او به لحظه تیرباران می اندیشد. خندان است و در چشمهایش نور ایمان و پیروزی سوسالیسم می درخشد. او همیشه به رفقایش گفته بود که آرزو دارد اگر روزی به اعدام محکوم شود، در میدان تیر برای تعقیب دشمنان مردم ایران، خود فرمان آتش را صادر کند.

بدون محابا و با شجاعتی عظیم پا به میدان تیر حشمتیه می گذارد. فروغ چشماش، جوخه اعدام را مرعوب کرده است. دستهای ساقی زندانیان و شکنجه گر او می لرزد. با خود زمزمه می کند: "نمیدانم، این آدم سنگ و یا آهن است. در تمام عمرم چنین آدمی ندیده ام!"

او را به چوبه تیر می بندند. عکسهایی که از لحظه تیرباران روزبه در دست است، او را در برابر جوخه اعدام همانند کسی که در جشنی پرشکوه و شادی بخشی حضور دارد، نشان می دهد.

"آتش... زنده... باد... کمونیسم" فریاد او در میان سفیر گلوله هایی که در سینه مالا مال از عشق او می نشینند، به خاموشی می گراید. روزبه در حالیکه نگاه او خندان است، با دهانی نیمه باز، سبکیال و مومن به شهادت می رسد. صدای او به گوش می رسد و برای آن خاموشی نیست:

"زنده باد کمونیسم...."

در همین شماره یادداشتی یکی از هم سنگران روزبه را می خوانید.

براین حقیقت تاکید ورزد که امپریالیسم به کمک رژیم شاه با استفاده از خیانتها و انحرفات رهبری "حزب توده ایران" تبلیغات وسیع و پردامنه ای را در میان توده های مردم سازمان داده تا عامل عمده و تعیین کننده شکست حکومت ملی دکتر مصدق را به نام کمونیستها تمام کند. بورژوازی و خرده بورژوازی ایران نیز بنا به ماهیت طبقاتی خود بر این تبلیغات امپریالیستها دامن زدند تا سازشکاری ها، ناپیگیری ها، اشتباهات جناح های دمکرات بورژوازی به رهبری جبهه ملی و دکتر مصدق را به فراموشی سپارند و از خاطره ها محو سازند تا سهم اساسی آنان در شکست جنبش دمکراتیک و ملی خلقهای ایران همچنان در پرده بماند.

هدف آنان، هدف همه دشمنان کمونیسم بوده و هست. سرمایه داری معاصر و مدافعان آن کوشش کردند که کمونیسم را بی اعتبار سازند و اعتماد توده های میلیونی مردم را نسبت به جنبش کمونیستی و کارگری ایران که دارای سوابق درخشان و نمونه های تابناکی همچون روزبه هاست، سلب نمایند. آنچه که امروز به گونه ای دیگر در مورد سازمان ما، به عنوان پرچمدار جنبش کمونیستی ایران سازمان داده شده است رفیق خسرو روزبه عالم به این نکته و با پیش بینی آن به دفاع از کمونیسم برخاست و نشان داد که کمونیستها تا پای جان به خلق و آرمان طبقه کارگر وفادار خواهند ماند. ببینید او چگونه به صحنه اعدام می رود:

"سحرگاهان اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ است. روزبه با قیافه ای آرام و با روحی آکنده از امید، امید به آینده و امید به پیروزی خلقها، در مقابل درب پاسدارخانه

روزبه برای همه انقلابیون کمونیست ایران سرمشق همیشه ماندنی و آموزگار وفاداری و ایثار در راه رهایی خلق و آرمان کمونیسم است. خود روزبه در جریان محاکمات خویش می گوید:

من نسبت به آن رژیم تنفر عمیق و دشمنی آشتی ناپذیر پیدا کرده ام که به قیمت بدبختی، فقر، گرسنگی و محرومیت هجده میلیون نفر از افراد ملت ایران، همه مواهب زندگی را برای هزار خانواده ممتاز تأمین کرده است. اگر عاشق و شیفته سوسالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آن را بر سایر رژیم ها احساس کرده ام و سحرک من در هر عملی که انجام داده ام، آرزوی تحقق این اصول و بالنتیجه ایجاد مبنای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تأمین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است."

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعتقاد دارد که بزرگداشت رفیق خسرو روزبه نباید به پرده استتاری برای خیانتهای رهبری حزب توده تبدیل شود. چه این خیانت به آرمان رفیق خسرو روزبه خود در آخرین مدافعاتش با اشاره به خیانت های یزیدی ها، بهرامی ها، قریشی ها، شرمینی ها که رهبری حزب را برعهده داشتند و نیز با اشاره به فرار رهبران حزب

"در حلقه کارزار جان دادن بهتر که گریختن به نامردی من سنگر مبارزه را ترک نکردم و اکنون نیز تمام عواقب آن را با روی گشاده تحمل می کنم"

سازمان ما در عین حال در مسئولیت خود می داند که

مصادره انقلابی

زمین های زمینداران بزرگ در منطقه اهر

مبارزه روستائیان منطقه "اهر" برای مصادره انقلابی زمین های زمینداران بزرگ و خان های مرتجع که سالها حاصل دسترنج آنها را بفشارت بردماند، روز بروز گسترش می یابد.

کشاورزان روستاهای "سوز بنده" و "رگهان" و "مجید آباد" از توابع اهر و کلیبر با اتحاد و همبستگی موفق شده اند، زمین های غصب شده خود را مصادره کنند و گام های بزرگی در جهت اداره شورای کارهایشان بردارند. در روستای "یوزبنده" کشاورزان تصمیم گرفته اند برای مصادره قطعی زمین های اربابان شورایی در ده تشکیل دهند و از این طریق مبارزات خود را به نحوی آگاهانه و مسموم تر به پیش برند

زمینکشان روستای "ورگهان" کار مصادره انقلابی زمین ارباب ها و خان ها را به پایان رسانده اند.

روستائیان مبارز مجید آباد نیز در فروردین ماه زمین های "سلطان سلطانی" بزرگ مالک روستا را مصادره کردند. به هنگام مصادره زمین ها، کشاورزان با مشت های گره کرده و روحیه مبارزاتی بی نظیری شعار می دادند. "مرگ برامریکا" "مرگ برامریکا، مرگ برامریکا" "سرمایه دار، مرگ برارباب" روستائیان منطقه اهر هر روز برای امر آگاهی بیشتری می یابند که ارباب ها زمینداران بزرگ و سرمایه داران علت اصلی فقر و فلاکت آنها هستند و مبارزه آنها را نابودی آنها در سراسر ایران می یابست ادامه داشته باشد

ما در نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات پولی

و جمع آوری اسکناسهای درست را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست پولی دولت...

بقیماز صفحه ۱۶

با این حال هنوز هم تا فرصت باقی است دولت باید هرچه زودتر اسکناسهای بانصد تومانی را نیز از دور خارج کند چرا که به علت کمبایی اسکناسهای هزار تومانی در ماههای آخر سال ۱۳۵۷ مقدار قابل توجهی از پولهای ایرانی که به خارج برده شده به صورت اسکناسهای بانصد

آن بخش از ثروت غارتگران فراری که به صورت اسکناسهای ایرانی بود، ارزش خود را از دست میداد و آنان نمی توانستند با انتقال این پولها به قاچاقچیان این ثروت را به غارتگرانی که فراری نیستند منتقل کنند.

اکنون پس از ۱۵ ماه دولت اعلام کرده است که تنها اسکناسهای هزار تومانی را از دور خارج خواهد کرد.

دولت می بایستی در نخستین روزهای پس از قیام با تعیین موعدی معین (دو یا سه هفته) از همه مردم می خواست اسکناسهای هزار تومانی و بانصد تومانی را به بانکها باز گردانند و پس از آن این اسکناسها را از درجه اعتبار ساقط کند. بدین ترتیب اگر مرزهای کشور در این مدت با دقت مراقبت می شد، دست کم

گران تر از نرخ رسمی به خریدار ارز می فروشد و در مقابل حواله ارز قاچاق، از او ریال دریافت می کند. خریدار ارز قاچاق، در شهرهایی که غارتگران فراری سکونت دارند، این ارز را با قیمتی بسیار گرانتر از آن که خریده است به فراریان می فروشد و از آنان ریال دریافت می کند، او سپس ریالها را به ایران می آورد و دوباره همین کار را تکرار

مردم کردستان صلح و آزادی می خواهند

اما سرکوبگران خلق کرد هر روز صدها تن از مردم زحمتکش کرد را به خاک و خون می کشند



ارتش از یادگانها شهر سنندج را به توپ و خمپاره می بندد

و مردم زحمتکش هستند که بخون می غلتند

۱۳ اردیبهشت

سنندج:

می خواهند، کار می خواهند و نان و این همه را دولت با تانک و فانتوم پاسخ می گوید دولت می گوید باید کشت و گاز به راه انداخت، باید تولید کرد، باید... و به خلق کرد که تولید در آزادی آزادی دیرینه اش است، چه می دهد؟ راکت برای ویرانی مزارع سرسبز، خمپاره برای به آتش کشیدن خوشه های گندم و مرگ برای توده ها - قهرمانانی که بار تولید بر دوش آنهاست.

ارتش از زمین و هوا شهر سقز را زیر آتش گرفته است

نیمی از شهر سقز به تلی از خاکی تبدیل شده اما مردم قهرمان شهر همچنان قهرمانانه ایستاده اند و در مقابل این یورش وحشیانه مقاومت می کنند. آنها توانسته اند بخشی از نیروهای ارتش را وادار به عقب نشینی کنند.

شانزده روز است که سقز مورد یورش ارتش و سپاه پاسداران قرار گرفته است. محاصره اقتصادی، کمبود آذوقه و دارو و مواد سوختی مردم را زیر فشار شدید قرار داده است. تاکنون نیمی از شهر به تلی از خاک بدل شده است. هرجا نشانی از ارتشی و پاسدار می بینی، آنجا خانه زحمتکشی است که فرو ریخته است، آنجا نشان از مقاومتی تا پای جان دارد. بر اساس آخرین اخبار، نیروهای ارتش در محاصره بهمرگان قرار گرفته اند. تخریب یادگانها از مهمات آغاز شده است. هلی کوپترها و توپها، شهر را از زمین و هوا زیر آتش گرفته اند....

بانه:

بر اثر حملات ارتش، خسارات زیادی به شهر وارد شده است. گلوله باران شهر همچنان ادامه دارد. یادگان هنوز در محاصره نیروهای بهمرگان است. به دستور فرماندهان ارتش خانه های مردم به خمپاره بسته می شود فانتوم ها در آسمان شهر به پرواز در می آیند. بگذار این دوستان و جاسوسان امپریالیسم، یکبار دیگر آنچه را که در وینتام آزموده اند، در تل زمتر آزمایش کرده اند، در کردستان خونین نیز بهازمایند. خلق کرد آماده است تا یکبار دیگر واقعیت پیروزی نهایی خلقها را ثابت کند.

صلح و آزادی آرمان خلق کرد است. تاریخ نشان داده است که این آرمانی عادلانه است و پیروزی از آن زحمتکشان است. آینده از آن نیروهای صلح طلب و ترقیخواه است.

چهاردهم اردیبهشت مریوان:

علیرغم تقویت نیروهای ارتش و سپاه پاسداران و تهاجم هلی کوپترها، رزمندگان بهمرگان امروز موفق شده اند به آتش ارتش و پاسداران پاسخ بدهند و یک خودروی داخل یادگان را منهدم کنند. امروز همچنین دو فروند هلی کوپتر کبری شهر را به رگبار بستند. هلی کوپترهای دیگری نیز برای تقویت یادگان آذوقه و مهمات حمل کرده اند. امروز شهر نسبتاً آرام است. آرامشی که مسلماً

چندان دوام نخواهد داشت و با تهاجمی دیگر از طرف نیروهای ارتش از میان خواهد رفت. فرماندهان مزدور آرام نخواهند نشست جنگ افروزی حرفه آنهاست. محاصره اقتصادی و کشتار زحمتکشان! این است پاسخ به صلح جوئی، آرامش طلبی و آزادیخواهی توده های قهرمان کردستان.

بانه:

یادگان شهر همچنان در محاصره نیروهای جنشی مقاومت است. بعد از ظهر امروز بهمرگان مسلح خلق مواضع مزدوران ارتشی را زیر آتش گرفتند و تلفات و خسارات سنگینی به یادگان وارد آوردند. فرماندهان ارتش که زیر ضربات پی در پی دیروز و امروز زحمتکشان مسلح به ستوه آمده اند، دستور داده اند که شهر را دیوانوار به توپ و خمپاره ببندند. زحمتکشان قهرمان بانه دوش بدوش بهمرگان مسلح خود می رزمند. بر اساس آخرین اخبار امروز یادگان شهر تسلیم مردم بانه شد. طی چند روز گذشته تعدادی از پرسنل انقلابی به مردم پیوسته بودند.

روستائیان مواد غذایی، داروئی و همه امکانات خود را بی دریغ در اختیار نیروهای بهمرگان قرار داده اند آنها هستند که بار تمام مصائب ناشی از جنگ را بر دوش می کشند و آنها هستند که هر روز خون دهی تن از فرزندان خود را در راه رسیدن به یک زندگی سرشار از صلح، تعاون و همبستگی نثار می کنند. تا کنون ۴۶ تن از مردم قهرمان این شهر شهید شده و بیش از صد نفر زخمی شده اند. یاد شهدای گمنام خلق، این مبارزین بی نشان سعادت و پیروزی خلقهای ایران در دل هر آن کس که قلبش برای آزادی ایران می تپد، زنده است.

سنندج:

۱۴ روز از تهاجم ارتش و سپاه پاسداران به سنندج می گذرد. تاکنون صدها تن از زحمتکشان جان خود را بخاطر سیاست جنگ افروزان و دوستان و جاسوسان امپریالیسم از دست داده اند فرماندهان مزدور ارتش با تمام قوا تلاش می کنند که روحیه مردم را متزلزل نمایند آنها را به ست خود جلب کنند و زمینه سرکوب خونین و همه جانبه آنها را، زمینه زیر پا گذاشتن دستاوردهای مبارزاتیشان را

دارد و مهاباد جزئی از آن است، به هر شکل پیروزی از آن نیروهای است که در راه ملحق دموکراتیک و عادلانه بیکار می کنند.

بناب:

امروز پاسداران ۶ مرد و ۱ دختر روستائی را که برای کار در کوره یوزخانه ها از بوکان زاهی تهریز شده بودند، دستگیر کردند. برای ارتش و پاسداری که به دستور فرماندهان خود، زحمتکشان را کشتار می کنند، همه دشمن اند! خواه بهمرگه ای که برای تامین صلح عادلانه سلاح بر کف گرفته است و خواه آن کشاورز روستائی که از فشار گرسنگی و فقر خانه و کاشانه اش را رها می کند و به کوره یوزخانه های تهریز روی می آورد. شروع واقعه را از زبان همین کرد زحمتکش می شنویم:

من و دخترم و ۵ نفر دیگر برای کار در کوره یوزخانه های تهریز راهی شدیم. نزدیکی های مهاباد، پاسداران ما را متوقف کردند و پرسیدند: کجا می روید؟ گفتیم می رویم تهریز کار کنیم. آنها از ما کارت شناسائی خواستند و بعد هم ما را دستگیر کردند. آنها علیه نیروهای مبارز کردستان حرف می زدند. می گفتند: شما کردها چرا از این گروه های ضدانقلاب پشتیبانی می کنید؟ ما گفتیم برای اینکه آنها از حق ما دفاع می کنند و کشتار می کنند که خودمختاری بگیریم اما شما که حق ما را نادیده می گیرید، تازه می خواهید جلوی فعالیت نیروهای سیاسی ما را هم بگیرید. شما به می گوئید ضدانقلاب! پاسداران دیگر جوابی نداشتند. بعد از چند ساعت من و دخترم و راننده را آزاد کردند که برویم کارت شناسائی با شناسنامه بقیه را بگیریم. پاسداران به گفتند دهه دیگر از بوکان برای کار کردن در تهریز راه نیفتید و سرجای خود بنشینید چون در آذربایجان به شما کاری نمی دهند.

سقز:

مردم مبارز این شهر پس از ۱۸ شبانه روز مقاومت بهرگز با هجا گذاشتن قربانیان و خسارات فراوان، با نثار خون دهها شهید و زخمی اینک پیروز مندانه یادگان را در محاصره دارند. بیشتر ساختمانهای یادگان در آتش می سوزد و احتمال سقوط آن می رود. کردستان همواره صلح خواسته است و خواسته های برحق خود را همواره به اشکال مسالمت آمیز نشان داده، نمایندگان سیاسی خلق کرد همیشه بر حل

فراهم آوردن امنیت ستاد لشکر به شیوه ای موافق بهانه آتش بس چندساعته ای را برای جمع آوری اجساد مطرح کرد. فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی امر آتش بس را بگونه ای عنوان می کنند که گویا آغاز گر جنگ و عامل کشتار خلق رزمنده کرد، خود خلق کرد است! آنها به هر شیوه تلاش می کنند که خلق کرد و نمایندگان سیاسی آن را که همواره خواهان صلح عادلانه بوده اند، جنگ طلب و به وجود آورنده حوادث اخیر جلوه دهند و بدین ترتیب اذهان زحمتکشان دیگر نقاط ایران را در مورد اهداف انقلابی و موضع صلح طلبانه خلق کرد منحرف سازند تا شاید چند صباحی بیشتر بتوانند به اوضاع متشنج کنونی در سطح کشور دامن زنند و از این طریق زمینه را برای سوء استفاده اربابان امپریالیسم فراهم آورند اما همه مردم سراسر ایران دیر یا زود خواهند فهمید که خلق کرد جنگ طلب نیست. خلق کرد صلح می خواهد.

مهاباد:

جاشهای مزدور همراه سرکوبگران ارتش و پاسدار، از هر طریق ممکن مردم را زیر فشار قرار می دهند. امروز وانت باری حامل ۲۵ کیسه آرد در به راه نرده به وسیله جاشهای "مبودی" متوقف شد و از ورود آن به مهاباد جلوگیری به عمل آمد. دولت سیاست محاصره اقتصادی را همچنان ادامه می دهد. شهر از نظر خوار و بار، مواد غذایی، داروئی، سوختی و بخصوص نفت و بنزین به شدت در مضیقه است. مسئولین مملکتی که همواره در رادیو - تلویزیون ها و جنجال راه می اندازند و مدعی می شوند که کردستان را یک مده حدود افراد مسلح به ناآرامی کشانیده اند، با محاصره اقتصادی مردم کردستان، با جلوگیری از تامین وسایل اولیه معاش زحمتکشان عملاً مشقت بر فریب خود را نزد خلقها باز می کنند. زحمتکشان دیگر نقاط ایران هر روز بیش از روز پیش به حقانیت خلق کرد آگاه می شوند. دروغ و جعل و موافق بینی تنها چند صباحی می تواند افشای جنایت های جنگ افروزان، دوستان و جاسوسان امپریالیسم و همه کسانی را که دشمن آزادی و صلح طلبی خلقها هستند به تاخیر اندازد. در نبردی که اکنون در کردستان جریان

دروغ بر همه شهدای خلق کرد

مردم کردستان صلح و آزادی ...

بیمار صفحه ۳

قرار دارد. کمبود نان و خوار و بار، دارو و سوخت مردم را به شدت در مضیقه قرار داده است. در این میان پاسداران با بلندگوهای خود مدام اعلام می‌کنند که کسانی که تسلیم و یا از شهر خارج شوند، نان و غذا دریافت خواهند کرد.

در میتینگ با اعلام این مواضع آگاهی انقلابی خود را بیش از پیش به نمایش گذاشتند و مشت محکمی بر دهان همه آنان که با عوامفریبی قصد دارند سیاستهای جنگ طلبانه و نفاق افکنانه خود را به خلق کرد و نیروهای سیاسی آن نسبت دهند، فروز آوردند.

مسئله کردستان از راه مذاکره باکید ورزیده اند و همواره گفته‌اند که در شرایطی که میهن ما درگیر مبارزهای حاد با امپریالیسم است، دامن ردن به جنگ داخلی تنها آب به آسیاب دشمنان مردم می‌ریزد.

سندج:

علیرغم آتش سوزی ۶ ساعته برای جمع‌آوری اجساد، به دستور فرماندهان ارتش همچنان حمله‌ها به سوی شهر شلیک می‌شوند. یک اتومبیل سواری که خانواده‌ای را به یکی از روستاهای اطراف می‌برد، از طرف مزدوران مستقر در ساختمان رادیو - تلویزیون به رگبار مسلسل بسته می‌شود که در جریان آن یک زن جان خود را از دست می‌دهد. مهاجمین امروز سعی کردند به سمت مواضع پیشمرگان پیشروی کنند لیکن با مقاومت دلیرانه آنها روبرو شده و با به جا گذاشتن دو کشته مجبور به عقب نشینی شدند.

امروز مردم به خیابانها ریختند و با شور مبارزاتی به دفن اجساد شهدای خود که در جریان درگیری‌های چند روز اخیر در شهر انباشته شده بودند، پرداختند. آوای سرودهای انقلابی همه جا طنین افکن بود. مردم با تظاهرات در محلات، نفرت و انزجار خود را از سیاستهای جنگ‌افروزان دولت و ارتش اعلام داشتند. شهر سرتار از روحیه همبستگی زحمتکشان است. زبان و مردان سالخورده به سنگر نیروهای پیشمرگه می‌روند و با آنها به گرمی به صحبت می‌نشینند. کلام ساده و صمیمانه آنها، امیدشان به فردا و آینده نوید بخش پیروزی است. باید بود و صحنه‌ای همبستگی و قربانی توده‌ها، این سازندگان اصلی تاریخ را دید.

بوکان

امروز آوارگان سقز که در بوکان مستقر شده‌اند، در یک گردهمایی در مسجد بازار بوکان بکار دیگر مواضع صلح طلبانه و عادلانه خود را بر راستای تحقق خواسته‌های اساسی‌شان اعلام نمودند. آنها در قطعه‌ای خود صحنه تأکید بر اهمیت تعیین - کننده مبارزه با دشمن اصلی همه خلفای ایران، یعنی امپریالیسم امریکا، ادامه جنگ تحمیلی در کردستان را مشخصا در جهت منافع امپریالیسم و دوستان و حامیان داخلی آن اعلام کردند. آوارگان که اکنون بر اثر همین سیاستهای جنگ طلبانه مجبور به ترک خانه و گاشانه خود شده‌اند، بکار دیگر با صراحت اعلام نمودند که خلق کرد خواهان صلح است و بر آن است با مسائل را از طریق سیاسی حل کند. مردم شرکت کننده

۱۶ اردیبهشت سردشت

یک مأمین ربهو ارتشی در اثر برخورد با مین منفجر شد که در این حادثه سه ارتشی کشته و عده‌ای زخمی شدند. بعد از ظهر نیز بر اثر انفجار مین یک ارتشی کشته و سه نفر زخمی شدند. نظامیان که در هر حرکت تلفاتی برجای می‌گذارند، دیوانوار همه چیز را به آتش می‌بندند. گلوله باران یک لندور غیر نظامی توسط پادگان شهر نمونه‌ای از این اقدامات جنون‌آمیز است. در این جریان ۲ تن از مسافران به شهادت رسیدند و ۴ نفر زخمی شدند.

سندج:

امروز نیز مثل روزهای دیگر شهر آماج حمله‌های ارتش است که تاکنون منجر به ویرانی تعدادی از خانه‌ها شده است. روستای "ناهر" بر اثر شلیک خمپاره و توپ ویران شده است. تعدادی از سربازان و پرسنل انقلابی ارتش که این فجایع را دیده‌اند، سلاح خود را بر زمین گذاشته و به سمت مردم آمده‌اند.

اکنون بیشتر از دوهفته است که شهر تحت شدیدترین محاصره اقتصادی

بانه

ارتش همچنان برای تسخیر تپه‌های اطراف شهر تلاش می‌کند. امروز چند فروند هلی‌کوپتر به قصد تسخیر دو تپه در اطراف بانه تعدادی ارتشی و پاسدار بر این تپه‌ها دیده می‌کنند. پیشمرگان دلیر کرد به محض اطلاع از این حرکت ارتش، جانبازانه به محل می‌شتابند درگیری سختی بین ارتش و پیشمرگان پیش می‌آید. در این درگیری که یک ساعت به طول می‌انجامد، بازده نظامی کشته و ۱۰ تن دیگر به اسارت پیشمرگان درمی‌آیند. تنها یک نفر از مزدوران موفق به فرار می‌شود. در این درگیری ۳ تن از پیشمرگان شهیدان کرد به اسامی فائق سهرابی، محمداسماعیل زاده و کاک‌طاهر محمودی به شهادت می‌رسند. پادشان گرامی و راهبان پاینده باد علاوه بر شهادت این سه تن ۲ پیشمرگه دیگر زخمی می‌شوند که حالشان رو به بهبود است.

ارتش بعد از این شکست به اعمال جنون‌آمیز تلافی جویانه دست زده و روستای "قانی‌مرد" و سی‌چان در اطراف بانه را زیر آتش خمپاره و توپ گرفته است که در نتیجه این حملات سیمانه عده‌ای از اهالی زحمتکش روستای "سیچان" شهید و چند نفر زخمی می‌شوند. ارتش به قصد نابودی کردستان حرکت می‌کند و هرچه در اثر مقاومت خلق کرد و پیشمرگانش ضربه‌پذیرتر می‌شود، به همان میزان بر شدت اعمال خرابکارانه و ویران کنند خود می‌افزاید.

۱۷ اردیبهشت

محاصره اقتصادی هر دم شدیدتر می‌شود زحمتکشان

سقز:

پادگان شهر هنوز در محاصره پیشمرگان است. تقویت آن جز از طریق هوا امکان پذیر نیست. امروز یک هواپیمای سی ۱۳۰، مقداری آذوقه و مهمات به وسیله چتر به پادگان رسانده است. نیروهای پیشمرگه با آتش سلاح خود هلی‌کوپترهایی را که به امر تقویت پادگان مشغولند زیر آتش می‌گیرند. از طرف مقابل نیز شهر به خمپاره بسته می‌شود و ویرانی‌هایی به بار می‌آورد. نیروهای پیشمرگه با حمله به نظامیان در "اشکه" صدمات زیادی به آنها وارد کرده و موفق می‌شوند مقداری از مهمات آنها را مصادره کنند.

پاوه

درگیری‌ها در این شهر چند روز است که ادامه دارد. نظام مدارس شهر اکنون تعطیل است. دانش‌آموزان و تا آن حد که توان دارد، نیاز شهر دوشادوش خلق از جنگ جلوگیری خواهد نمود و خواهان فرارهای صلح عادلانه در کردستان خواهد بود. او در قسب دیگری از سخنرانی خود تأمین صلح برپای خلق تحفی خواسته‌های اساسی خلق کرد را در شرایط کنونی گام بزرگی در جهت تدارک مراحل آتی مبارزه ضد امپریالیسمی - دمکراتیک زحمتکشان سراسر ایران اعلام کرد و در این رابطه سیاست آن دسته از نیروهای سیاسی را که راه حل مسائل کردستان را در حکم و فقط جنگ می‌بینند، مورد بررسی و انتقاد قرار داد.

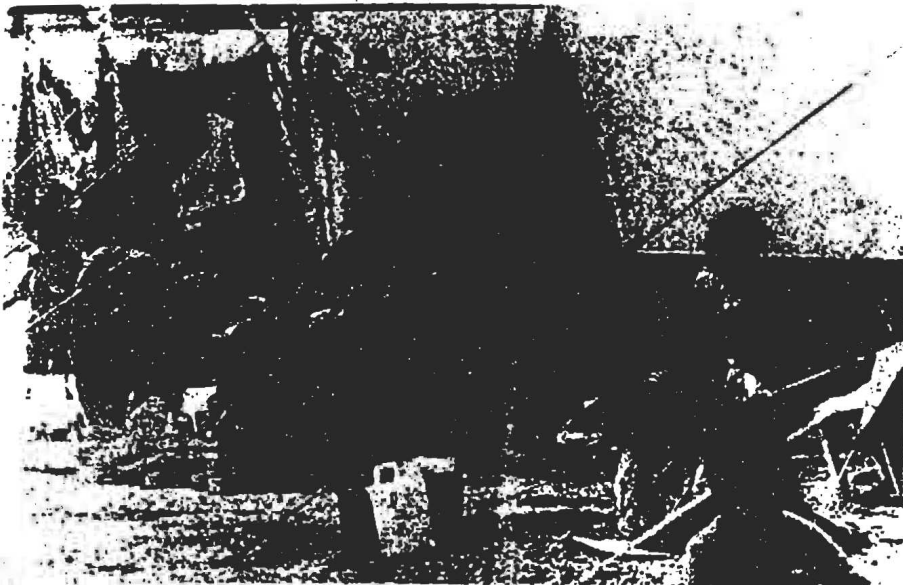
مریوان:

در جریان درگیری‌ها تا کنون تعداد زیادی از نیروهای ارتش و پاسدار توسط پیشمرگان دستگیر شده و عده‌ای از آنها نیز به مردم پیوسته‌اند از جمله روزهای ۱۱ تا ۱۵ اردیبهشت نیروهای جنبش مقاومت در جریان محاصره پادگان موفق می‌شوند ۶۸ نفر از ارتشی‌ها را که اکثرا درجه دار هستند دستگیر کنند. در همین رابطه ۳۰ تن از جاعهای مزدور نیز دستگیر شده‌اند. سرگرد افشین یکی از فرماندهان پادگان مورد اصابت گلوله پیشمرگان قرار گرفته و زخمی شده است. تا به امروز

وارد می‌کند. امکان مداوای مجروحین وجود ندارد. وضعیت به گونه‌ای است که زحمتکشان به احتمال زیاد ناچار خواهند شد در روز به یک وعده غذایی ناکافی بسنده کنند.

گرستگی، بی‌آبی، فقدان ابتدائی‌ترین امکانات درمانی و در کنار این همه شب و روز باران گلوله و خمپاره، این است رهاورد جنگ‌افروزان برای خلق ستم‌دیده‌ای که خواستار صلح عادلانه است. سپاه پاسداران از یک سو مردم را در ازای دریافت مواد غذایی به تسلیم و یا خروج از شهر تشویق می‌کنند و از سوی دیگر به هر وسیله و شیوه ممکن آنها را مورد تهاجم قرار می‌دهند. دو روز قبل حدود ۳۵ نفر از اهالی یک روستای نزدیک "دهکلان" بدون دلیل توسط سپاه پاسداران به گروگان گرفته شده‌اند و تاکنون از سرنوشت آنها اطلاعی به دست نیامده است طبق اطلاعات رسیده افسری که دستور داشته شهر را توسط هلی‌کوپتر به راکت بپندد، از اجرای وظیفه‌ای که فرماندهان ضد خلقی ارتش بر عهده‌اش نهاده بودند، سر باز زده و هلی‌کوپتر خود را در اطراف فرودگان سنجند رها کرده است.

سنجد شهر خون و حمله شهر گلوله و گرستگی، شهر مردم صلح طلب اینک بیش از هر زمان دیگر به حمایت آزادیخواهان و صلح طلبان دیگر نقاط نیازمند است. افشای جنایات ارتش، رساندن اخبار مقاومت قهرمانانه مردم به گوش زحمتکشان سراسر ایران، بسیج قوا برای تهیه و ارسال کمکهای غذایی و دارویی، اینک وظیفه‌ای است که بر دوش همه نیروهای انقلابی و ترغیبخواه قرار دارد.



نیروهای پیشمرگه عملاً به پیروی هوایی اجازه نداده است که به فضای مریوان نفوذ کند. روحیه نظامیان بسیار متزلزل است. ۴۰ نفر از پرسنل انقلابی ارتش که عمدتاً از درجه‌داران تشکیل می‌شوند، به جنبش مقاومت خلق کرد پیوسته‌اند و هم‌اکنون در کنار پیشمرگان علیه فرماندهان ارتش و سیاست‌های جنگ‌طلبانه آنها مبارزه می‌کنند.

بوکان

امروز از طرف سازمان ما میتینگی، برپا میدانی قیام برگزار شد. حدود ۴۰۰۰ نفر از مردم شهر در این گردهمایی شرکت داشتند. یکی از مسئولین سازمان در منطقه طی سخنرانی خود جنگ اخیر و سایر مسائل خلق کرد را مورد بررسی قرار داد. رفیق سخنران پس از بررسی نقش ارزنده مبارزات خلق کرد در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیسمی - دمکراتیک خلفای ایران و تأکید بر پیوند مبارزات خلقها با جنبش طبقه کارگر، سیاستهای جنگ‌طلبانه دولت را بشدت مورد حمله قرار داد و مواضع اصولی سازمان را در این زمینه تشریح نمود. او در قسمتی از سخنان خود گفت: "سازمان ما سیاستهای جنگ‌افروزان را محکوم کرده و تا آن حد که توان دارد، نیاز شهر دوشادوش خلق از جنگ جلوگیری خواهد نمود و خواهان فرارهای صلح عادلانه در کردستان خواهد بود. او در قسب دیگری از سخنرانی خود تأمین صلح برپای خلق تحفی خواسته‌های اساسی خلق کرد را در شرایط کنونی گام بزرگی در جهت تدارک مراحل آتی مبارزه ضد امپریالیسمی - دمکراتیک زحمتکشان سراسر ایران اعلام کرد و در این رابطه سیاست آن دسته از نیروهای سیاسی را که راه حل مسائل کردستان را در حکم و فقط جنگ می‌بینند، مورد بررسی و انتقاد قرار داد. این گردهمایی با بخش یکی از سرودهای انقلابی خلق کرد خانه یافت و توده‌های شرکت کننده سرود خوانان محل میتینگ را ترک کردند. به پیروی صفحه ۱۳



نامه یکی از افسران سابق حزب توده به نشریه کار

سازمان نظامی، دولت مصدق و حزب توده

رسته	تعداد کل	افسران شاغل در تهران
هوائی	۳۲	۲۹
توپخانه	۲۵	۷
سوار	۲۶	۹
پیاده	۸۰	۱۷
مخابرات	۱۷	۲
مهندس و فنی	۴۱	۲۵
افسرستاد	۶	-
زانداری	۳۱	۲۳
شهربانی	۴۷	۲۴
پزشک	۲۷	۱۵
دانشجوی پزشکی	۳۶	۳۱
دانشجوی افسری	۵۲	۵۲
و هوائی		
درجه داران	۱۶	۹

از ۲۴۳ نفر در تهران:	۴۲۹
دانشجو	۵۲
پزشک و دانشجوی پزشکی	۴۶
افسر مهندس و فنی	۲۵
افسر خلبان	۲۹
افسر شهربانی	۲۴
افسر زانداری	۲۳
افسر پیاده	۱۷
افسر سوار	۹
افسر توپخانه	۷

"ار این عده افسران توده‌ای در تهران که پس از حذف پزشک و دانشجو، ۱۴۵ نفر می‌شدند، عده زیادی در مشاغل قضائی، دادرسی ارتش، در مشاغل اداری، در مراکز اطلاعات، یعنی در مشاغل غیر عملیاتی نظامی قرار داشتند. ... در نتیجه تهیه و تدارک سلاح خیلی به کندی و در مقیاس بسیار کوچک عملی گردید و آنچه حزب ما در ۲۸ مرداد در اختیار داشت، منحصر می‌شد به چند تفنگ، ده دوازه سلاح کمری، مقداری نارنجک و ۱۵۰ باروکای ضدتانک. آنچه من در باره تصمیمات هیئت اجرایی در زمینه لزوم تدارک مقاومت مسلحانه در برابر کودتای احتمالی به‌خاطر دارم، این است که ... مسئله اساسی برای رهبری حزب عبارت بود از ایجاد و تحکیم جبهه نیرومندی از همه نیروهای ضدامپریالیستی و در درجه اول از نیروهای وفادار به دکتر مصدق و نیروهای حزب توده ایران. ... نظر حزب ما این بود که تنها در صورت به وجود آمدن چنین جبهه‌ای می‌توان همه نیروهای ضدامپریالیستی خلق را در برابر توطئه‌های رور افزون دشمنان تجهیز کرد. ... مسلح شدن مخفیانه حزب توده ایران یا هر سازمان مخفی کار دیگر، در صورتی که گوشه‌ای از فعالیتشان در این زمینه ناشی می‌شد، می‌توانست به صورت عاملی شدیداً منفی در جریان تلاش حزب بمنظور تشکیل جبهه متحد اثر گذارد."

بقیه در صفحه ۶

تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران نیازمند بررسی‌های عینی و علمی جدیدی است. این بررسی‌ها نه تنها بمنظور اخذ تجارب و آموزشهای تاریخی ضرورت دارد، بلکه تحلیل علمی اشکال مختلف اپورتونیسم و رویزیونیسم در جنبش کمونیستی ایران گام بلندی در اشاعه و تجهیز ما به مارکسیسم - لنینیسم و دستیابی به حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. در این میان تحلیل بدو راز تنگ‌نظری‌ها و پیش‌داوری‌ها از "حزب توده" اهمیت ویژه‌ای دارد. روشن است که ارائه چنین تحلیلی نیاز به اطلاعات و فاکت‌های تاریخی و مشخص فراوانی دارد. نامه‌ای که در زیر می‌خوانید بخشی کوچکی از اطلاعاتی را که برای چنین تحلیلی ضروری است، در اختیار می‌گذارد. ما از همه نیروها می‌خواهیم که اطلاعات و تحلیل‌های خود را در زمینه "بررسی تاریخی و علمی جنبش کارگری و کمونیستی ایران" در اختیار نشریه "کار" قرار دهند.

"برای رهبری حزب که همه در همان محل کمپته ایالتی تهران جمع شده بودند... مسلم بود که هرگونه عمل جداگانه حزب، در مقابل چنین نیروی مسلطی، بدون حتی همکاری اسمی دکتر مصدق، تنها با یک قتل عام پایان خواهد یافت. بر این پایه بود که زهکری گسترش یافته حزب ابتدا با تردد بعضی از رفقا، ولی بالاخره به اطلاع آراء خصم گرفت که سازمان حزبی را از زیر اولین ضربه‌های خردکننده کودتاچیان مسلط شده و خونخوار درآورد. کمی بعد از ابلاغ این تصمیم و متفرق شدن رفقای مسئول به ما خبر رسید که در خانه دکتر مصدق مبارزه درگیر شده است و مدافعان خانه مصدق دفاع می‌کنند. همراه با این خبر این شایعه هم به ما رسید که واحدهای نظامی هوادار دکتر مصدق وارد عمل شده و به مقابله با کودتاچیان پرداخته‌اند. ما فوراً تصمیم گرفتیم که باید همه نیروها را برای حمایت از مدافعان خانه دکتر مصدق و به یاری واحدهای هوادار دکتر مصدق تجهیز کنیم. ولی تا ما این خبر را به شبکه حزبی برسانیم، خبر رسید که مقاومت خانه مصدق پایان یافته..."

"افسانه نیرومندی سازمان افسری حزب توده ایران گفته می‌شود که حزب توده ایران سازمان افسری نیرومندی که در آن ۶۰۰ افسر، حاضر به جنگ" عضویت داشته و در جریان کودتای ۲۸ مرداد از آن بهره‌گیری نکرده است. این ادعا از واقعیت فرسنگها به دور است. به دلائل زیر:

۱- تعداد اعضای سازمان افسری حزب توده ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جمعا ۴۶۶ نفر بوده است که ۴۲۹ نفر آنها بازداشت و محکوم و ۳۷ نفر آنها فراری شدند.

۲- از این افراد بخش مهمی دانشجوی دانشکده افسری و هوائی، پزشک و مهندس و قاضی و کارمند اداری بوده‌اند.

در صورت زیرین تقسیم این افسران به دسته‌ها و وضع بخش آنها در سراسر کشور دیده می‌شود:

من یک عضو سابق سازمان نظامی حزب توده هشتم و بنسبست سرنوشتی که حزب توده در اثر اشتباهات اساسی در لحظات مهم تاریخی به آن دچار شد و بدنبال آن سازمان نظامی لو رفت، اکثر اظهارنظرهای موافق و مخالف حزب توده را می‌خوانم و می‌بینم که بعد از گذشت ۲۶ سال یعنی یک نسل کامل، هنوز رهبران حزب توده برای فرار از مسئولیت بزرگی که در آن روزهای سرنوشت ساز ۲۸ مرداد به عهده دارند، تاریخ را تحریف می‌کنند. ناگزیر حقایقی را مبنی بر کذب ادعای حضرات بیان می‌کنم باشد تا نسل جوان که از تاریخ گذشته دوران قبل از ۲۸ مرداد کمتر اطلاع دارد با اطلاع بیشتری راه را از چاه تشخیص دهد. برای توضیح مطالب خود ابتدا قسمتی از نوشته‌های نامه مردم و مجله دنیا را نقل می‌نمایم، سپس به تشریح یکیک مطالب می‌پردازم.

در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران مورخ ۱۴ فروردین ۱۳۵۹ سرمقاله مفصلی به قلم نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده ایران تحت عنوان "حزب توده ایران و دکتر مصدق" که در جریان کودتای خائنانه ۲۸ مرداد مسئول تشکیلات و عضو هیئت اجراییه حزب توده بوده، چنین آمده است:

"روز ۲۳ مرداد بعد از ظهر، باز هم سرهنگ مشیری به منزل من آمد و خبر آورد که برای شب، قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و ضمناً اسمی برخی افسران بالارتمیه‌ای را که گرداننده کودتا بودند، با خود آورد. ... من در همان ساعت باز از راه اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: "آقای دکتر، توطئه کودتا قطعی است. کودتاچیان کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتاگران چنین است: سرتیپ دفتری که شما به او اعتماد دارید، با آنان ارتباط دارد. ما اطمینان داریم که دوستان شما در ارتش که در پستهای فرماندهی هستند، عرضه و لیاقت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان با ارزش و فداکاری در میان افسران داریم که پستهای حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستهای مهم فرماندهی استفاده کنید. تنها از این راه می‌شود جلوی خطر را گرفت. ..."

در مجموعه این شرایط بود که صبح روز ۲۸ مرداد، ما از حرکت اوباش و فواحش در شهر با خبر شدیم. ... ما باز هم با مصدق تماس گرفتیم و از او خواستیم که دستور دهد به نیروهای توده‌ای اسلحه داده شود تا مهاجمان را سرکوب کنیم. ... در حدود ساعت ۲ بعد از ظهر به ما خبر رسید که واحدهای منظم ارتش به هواداری از کودتاچیان در گوشه‌های شهر وارد عمل شده‌اند ما که هر لحظه منتظر بودیم که نیروهای وفادار به دکتر مصدق در ارتش وارد عمل شوند، باز هم با دکتر مصدق تماس گرفتیم. اینبار او به ما گفت که: "آقا، همه به من خیانت کرده‌اند. ... شما اگر کاری از دستتان برمیاید، بکنید. ..."

پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقه‌ای ایران

سازمان نظامی، دولت مصدق و ...

بقیماز صفحه ۵

مثل بت می پرستیدندش و حاضر بودند به فرمان او به خیابان ها بریزند (خلاصه کلام ۲۸۰ نفر افسر با واحدهایشان به اضافه سازمان درجه داران می توانستند در صورت لزوم چنانچه حزب توده به فرض محال از عهده اوپاش و فواحش و کودتاچیان بر نمی آمد، وارد عمل شوند و کار کودتاچیان را یکسره کنند.

بعلاوه فرق ۳۰ تیر و ۲۸ مرداد در این بود که در ۳۰ تیر مردم به مقابله با یک حکومت ظاهرا قانونی (قوام السلطنه) برخاسته بودند (کسه قاعدتا ارتش موظف به دفاع از آن بود) و شاه هم در کشور حضور داشت و هنوز بکلی بی اعتبار نشده بود. درحالیکه در ۲۸ مرداد شاه فراری شده و روحیه طرفدارانش بکلی درهم شکسته بود و حزب به دفاع از یک حکومت قانونی وارد عمل می شد و مقابله با کودچیان را از جنبه قانونی و روانی آسانتر می کرد.

۳- در مورد کمبود سلاح، بازهم یک دروغ دیگر! قبول اینکه ۲۸۰ نفر افسر عضو سازمان نظامی در تهران بوده اند به معنی این است که اکثر آنها حداقل یک طپانچه کمری داشته اند و ذکر اینکه حزب فقط ۱۰ - ۱۲ سلاح کمری، تعدادی نارنجک و ۱۵۰ بازوگای ضدتانک داشت، دست کم گرفتن این نیروی سازمان یافته و حاضر به عمل است. بعلاوه افسرانی که دارای واحد نظامی بودند، اسلحه خانه ها در اختیارشان بود و می توانستند به موقع اسلحه مورد لزوم را تامین نمایند.

۴- آقای کیانوری! شما مدعی هستید که مانع اساسی در برابر تدارک وسائل فنی و حداقل سلاح، جبهه متحد خلق بود که چنانچه مسلح شدن حزب توده رو می شد، به تشکیل جبهه آسیب می رسانید!

د- خروس از همین جا پیدا است! شما بزرگترین سازمان نظامی مخفی را در ارتش تشکیل داده اید و دستگاه حاکم کم و بیش از وجود آن مطلع بود (لورفتن رفقا مرزوان، هنریار، پوریا) تلفن خودتان به دکتر مصدق که در ارتش افسرانی دارید، آیا به جبهه متحد خلق لطمه نمی زد، لکن تدارک سلاح توسط یک حزب سیاسی مستقل مدعی رهبری طبقه کارگر که همیشه در حرف راه قهرآمیز را یکی از طرق دستیابی به حکومت می داند، به جبهه متحد لطمه وارد می کرد؟ جبهه های که هیچگاه نه در دوره حکومت مصدق، نه در دوره ۲۵ ساله اختناق محمدرضا شاهی و نه امروز تشکیل نشده و حتی حزب جمهوری اسلامی هم با همه خد ماتی که حزب توده در تئوری و عمل و راهنمایی های زیرکانه در مقابله با نیروهای چپ به آن می کند و در هر حرکتی، حتی جشن اول ماه مه، به جای همکاری در دموکراسیون یکپارچه کارگران، صف خود را از سایر نیروهای چپ جدا نموده و بدنبال دعوت حزب جمهوری اسلامی برای اقامه نماز به میدان امام حسین می رود، مورد تعرض و توهین فالانژهای دست پرورده آن حزب قرار می گیرد و اجبارا قبل از رسیدن به محل میتینگ متفرق می شود.

۵- آقای کیانوری! مطلب اینجاست که برای تارو مار کردن طلایه کودتاچیان (اوپاش و فواحش) اصولا نیازی به دخالت سازمان نظامی

ایران مرتکب شده و خلق ستمدیده ایران بعد از گذشت ۲۶ سال هنوز هم چوب آن بی کفایتی را می خورند، آنقدر بی انصافی کرده اید که به سبب تحقیر این سازمان، اعتراض آن عده از افسرانی را که هنوز هم به راه شما اعتقاد دارند، برانگیخته اید و من عمیقا به آنهایی که با خلوص نیت و بدون فرصت طلبی به آن سازمان رو آورده اند و آن را قبله آمال خود می دانند احترام می گذارم و امیدوار و منتظرم که حوادث سیاسی چشم و گوش آنها را باز کند و راه را از چاه تشخیص دهند. و اما پاسخ من به دست کم گرفتن قدرت سازمان نظامی (*):

الف - بحث بر سر روز ۲۸ مرداد می باشد نه یکسال بعد که سازمان نظامی لورفت یعنی شهرریور ۳۳ بنابر این حذف ۲۷ نفر از رفقای افسر که علیرغم دستور صریح شخص شما دایر به اینکه (خود را به قسمتها معرفی کنید زیرا هرچه تعداد دستگیرشدگان زیادتر باشد، جرم سبکتر میشود) بنا به ابتکار شخصی و به علت بی اعتمادی از دستورالعمل دستگاه رهبری حزب سربچی کردند تا پس از مدتی اختفاء و در بدری از کشور خارج و جان سالم بدر بردند، این جایجا کردن تاریخ و کم کردن تعداد افسران، یک تقلب بی سرو صدا برای انحراف نسل جوان است. بنابر این تعداد افسران سازمان نظامی در تهران بالغ بر ۲۸۰ نفر می شدند.

ب- اگر بقول شما در پایتخت که در هر انقلابی نقش تعیین کننده دارد، ۲۸۰ نفر افسر و تعدادی درجه دار که آنها را بکلی از قلم انداخته اید، و در اثر مقاومت قهرمانانه سرگرد شهید جعفر وکیل که رابط آنها بود، لو نرفت - در صورت لزوم، تحت شعار دفاع از حکومت قانونی دکتر مصدق وارد عمل می شد و عده های اوپاش و فواحش را سرکوب می کرد، به کاسه کوزه کی برمی خورد؟! مگر در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ سرهنگ ژاندارمری، پیرمان عضو سازمان نظامی در میدان توپخانه روی تانک نرفت و علیرغم ماموریت خود برای سرکوب جنبش مردم ضمن سخنرانی مردم را به مقاومت تشویق نمود؟

ج - آقای کیانوری! سازمان نظامی را در روز ۲۸ مرداد دست کم نگریید. طبق آمار خود شما ۲۹ افسر خلبان (که فرودگاهها در اختیارشان بود و در هنگ شکاری به اتفاق افسران طرفدار مصدق به جای سرگرد خاتم خلبان فراری شاه برای واحد خود فرمانده تعیین کرده بودند) ۱۴ افسر شهربانی (که تا آنجا که اطلاع دارم سروان مدنی و سروان درمشیان روسای دو کلانتری بودند و بقیه در شهربانی و کارآگاهی و اطلاعات شهربانی پستهای حساسی داشتند)

۲۳ افسر ژاندارمری
۱۷ افسر پیاده (که دونفر از آنها ستوان قربان نژاد و ایروانی با واحدهای تانک تحت فرماندهی خود در شهر سرگردان بودند و مرتب به مسئول خود تلفن می کردند و کسب تکلیف می نمودند و جواب منفی می شنیدند. ستوان شجاعیان هم با واحد خود از خانه دکتر مصدق دفاع می کرد)

۹ افسر سوار
۷ افسر توپخانه

۵۲ دانشجوی دانشکده افسری (به فرماندهی سرهنگ پهلوان که همه دانشجویان غیر حزبی هم

این بود ارزیابی رهبری حزب توده از قدرت سازمان نظامی، در آنجائی که لازم است شکست کودتای خائنانه ۲۸ مرداد و بی عملی آن حزب توجیه و ناگزیر قلمداد گردد. لکن در جایی که بحث بر سر قدرت حزب توده در آستانه کودتای ۲۸ مرداد و پاسخ به چریکهای فدائی خلق به اینکه ما تمام اشکال مبارزه را اعم از علنی و غیر علنی، مسالمت آمیز و قهرآمیز در نظر داریم، در مجله دنیا ارگان سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی مورخ مهرماه ۱۳۵۸ صفحه ۱۰۱ چنین می گوید:

"تاریخ حزب ما نشان می دهد که ما همواره برای استفاده از همه اشکال مبارزه آمادگی می دیده ایم. کار شمرنخش در درون ارتش و بنیان گذاری سازمان افسران توده ای که (در تمام دوران پیش از کودتای ۲۸ مرداد) یکی از بزرگترین سازمان های از نوع خود در مقیاس جهانی بود، نمونه ای از چنین آمادگی است"

رهبری حزب توده نمی تواند ادعا کند که نظریات فوق مقالاتی است که افراد بی مسئولیتی نوشته اند و بنایستی بعنوان نظر کمیته مرکزی تلقی گردد زیرا قسمت اول، نظریات دبیر اول کمیته مرکزی است و قسمت اخیر نقطه نظر سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی است.

حال با در نظر گرفته ظرفیت محدود صفحات نشریه به پاسخ یک یک مطالب نقل قول های فوق که انباشته از تضاد است، می پردازیم:

۱- آقای کیانوری! آنجا که به دکتر مصدق پیشنهاد می کنید که لیست افسران طرفدار حزب توده را برای تصدی پستهای مهم فرماندهی در اختیارش بگذارید به اجازه کی و به چه حق وجود افسران توده ای را در ارتش افشاء کردید و حتی حاضر شدید اسامی عده ای از آنها را بر اختیار دکتر مصدق که نخست وزیر یک حکومت سرمایه داری است، قرار دهید؟ اگر مصدق ظاهرا پیشنهاد شما را می پذیرفت و لیست تقدیمی شما را به جوخه اعدام می سپرد، جواب مردم ایران را چه می دادید؟ بعلاوه هرکس که کمترین مطالعاتی از مارکسیسم - لنینیسم داشته باشد و لااقل مختصر کتاب "دولت و انقلاب" اثر لنین را خوانده باشد و به مفهوم دولت و ابزار سرکوب آن که عمده ترین نیروهای انتظامی است آشنا باشد، می داند که این بورژوازی به هیچ وجه ابزار اصلی حاکمیتش را در اختیار دشمن طبقاتی خود که شما مدعی رهبری حزب آن هستید، قرار نخواهد داد. بنابر این برای آنکه شما را از این مخمصه نجات داده باشم، قبول می کنم که این گفتار تلفنی شما، جعلیاتی است که بعد از مرگ دکتر مصدق چاپ کرده اید.

و هم چنین آنجا که روز ۲۸ مرداد هیئت مدیره جمعیت ضد استعمار به اتفاق محمدرضا قاده نزد مصدق می روند و درخواست توزیع اسلحه بین نیروهای توده ای می کنند، نشانه بی اطلاعی و عدم درک شما از مبارزه طبقاتی است.

آقای کیانوری! اسلحه را از دشمن طبقاتی گدائی نمی کنند. چنین برداشتی از حکومت، برداشتی کاملا غیر مارکسیستی است.

۲- راجع به افسانه نیرومندی سازمان افسری، تحقیر و بی ارزش نشان دادن این سازمان، برای توجیه خیانتی که رهبری حزب نسبت به مردم

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بقیه در صفحه ۱۱



(قسمت آخر)

مبارزه و مقاومت

درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجویی ایران

شان دادند، از جمله وحشیگریهای کم نظیر این دستگاههای ضد مردمی بود. محیط دانشگاهها علیرغم تمام تلاشهای سرکوبگرانه رژیم، تبدیل به محیطی برای رشد سیاسی و انقلابی جوانان میهن ما شده بود و دانشجویان در رویارویی با

پلیس ماهیت جنایتکارانه رژیم وابسته را بیشتر و عمیقتر درک می کردند. هر قدر که بر اعمال خشونت بار ساواک و پلیس در دانشگاهها افزوده می شد، به همان میزان دانشجویان بیشتری به لزوم مبارزه، تشکل و وحدت برای درهم کوبیدن

چنین دستگاههای سرکوب کننده ای پی می بردند. دستگیری دانشجویان در این سالها و درسی که آنان در شکنجهگاهها و زندانهای رژیم از انقلابیون می گرفتند، عامل موثری بود در رشد و شکوفائی سیاسی و مبارزاتی دانشجویان. دانشجویانی که در پی مبارزات خود به زندانها روانه می شدند با چهره پلیس سرمایه داری بیشتر

آشنا می شدند و فرصتی به دست می آوردند که با افکار انقلابی آشنائی بیشتری پیدا کنند، دانش طبقاتیشان افزون گردد و فن سازماندهی مبارزات خود را از امثال "جزنیها" که در زندانهای

شاه درس مبارزه و مقاومت را به نیروهای انقلابی می آموختند، فرا گیرند و با دریائی از دانش و تجربه انقلابی، با دلی آکنده از کینه طبقاتی و با شوری سرشار از عشق به خلق و ایمان به پیروزی پرولتاریا به آغوش مکتبخانههای خود بازگردند و راه آورد مسافرت پربار خود را صمیمانه در جهت ارتقاء و سازماندهی مبارزات دانشجویان و تودهها بکار گیرند.

در این سالها تا اوج گیری مبارزات پر شکوه خلق، جنبش دانشجویی هر روز گام های موفقیت آمیزتری در جهت پیوند با مبارزات تودهها برمیداشت. تب و تاب فزاینده مبارزه در دانشگاهها خبر از آینده ای روشن می داد. آینده ای که رژیم دیکتاتوری شاه را به زباله دانی تاریخ بیاندازد و آینده ای که امپریالیسم در مقابل اراده خلق به زانو درآید. دانشگاهها انعکاسی از مبارزات تودهها را در خود داشتند.

هر چه مبارزه تودهها گسترش می یافت، آتش مبارزات دانشجویی پرهیبت تر و فروزان تر می شد و چون دانشگاهها بستر رشد آگاهی طبقاتی نیز بودند، نمود مبارزات مردم را به شکل بارزتر و برجسته تری در دانشگاهها می دیدیم.

شروع مبارزات مردم "خارج از محدوده" علیه استمرکیهای رژیم شاه، اولین نشانه های آشکار شده مبارزات تودهها و اولین زبانه های آتش بود که زیر خاکستر نهان گشته بود. جنبش دانشجویی با بروز این اولین نشانهها، موقعیت را با هوشیاری انقلابی خود درک کرد و خود را برای سازماندهی این مبارزات آماده نمود. دانشجویان انقلابی اینبار روانه گودنشینها، حلبی آبادها و "خارج از محدوده" تهران شدند و در تداوم فعالیت های انقلابی خود دستاوردهای پرازشی از تجارب سازماندهی مبارزات تودهها اندوختند. دانشگاهها با آغاز مبارزات گسترده و بی امان تودهها در سال ۵۶ بدل به سکری از بقیه در صفحه ۱۱

به سیاست تهدید و فریب تودهها شد، دهقانان را بعنوان شرکت در جشن کشاورزی روانه شهرهای دانشگاهی کردند و آنها را بقول خود در مقابل دانشجویان قرار دادند اما زمرههایی که در بین تودهها شروع شد بخوبی خشم مردم را از چنین سیاستی نشان داد. عدم استقبال تودهها از این بسیج فرمایشی رژیم را واداشت که نیروهای سرکوب خود، ساواک و پلیس، را روانه دانشگاهها کند. دستگاه جهنمی ساواک و پلیس ضد خلقی رژیم از این سال تا چندی بعد بعنوان "گارد ویژه" در دانشگاهها مستقر شد و کوچکترین حرکت دانشجویی زیر ضرب پلیس قرار گرفت. در این سالها رژیم علاوه بر سیاست سرکوب، سیاست تطمیع دانشجویان را نیز در برنامه خود قرار داد. امکانات رفاهی برای آن دسته از

"گارد ویژه" رژیم شاه برای این در دانشگاهها مستقر شده بود تا کوچکترین حرکت دانشجویی را زیر کنترل و ضرب قرار دهد.

دانشجویانی که خود را می فروختند و با گرایشی به مبارزه با رژیم نداشتند، فراهم شد. تلاش برای رواج فساد و انحطاط در بین دانشجویان از طریق برنامه های مختلف به اجرا درآمد اما هیچکدام از این شیوهها نتوانست جنبش دانشجویی را به بیراهه کشد.

در سال ۴۹ سازمان ما که متشکل از روشنفکران انقلابی برخاسته از دل دانشجویان انقلابی بود، موجودیت خود را اعلام کرد و بسیاری از دانشجویان انقلابی که صادقانه به آرمان طبقه کارگر و به خلق ستمدیده خود عشق می ورزیدند، به سازمان پیوستند. آمار شهدای سازمان و سازمان مجاهدین صدها دانشجوی انقلابی را که به دست دژخیمان شهید گشتند، به نمایش می گذارد و سند گویائی است بر جانبازیها، مبارزات و مقاومت های دلاورانه دانشجویان انقلابی ما.

از سال ۴۹ به بعد، جنبش دانشجویی شکوفائی هر چه بیشتری یافت. سازمان های متشکل دانشجویی به وجود آمد که با رهنمودهای انقلابی خود توانست تشکیلات دانشجویی را در تمام زمینهها ارتقاء بخشد. این رشد، خود را در مبارزات خونین دانشجویان در سال ۵۱ به خوبی نشان داد. دانشجویان در سال ۵۱ در تداوم مبارزات خود علیه استقرار گارد در دانشگاهها دست به مبارزات وسیعی زدند. آنان از سال ۴۹ به بعد که ساواک و پلیس بعنوان گارد دانشگاه در دانشکدهها مستقر و محیط دانشگاهها را تبدیل به محیطی نظامی و خشونت بار کرده بودند، علیه گارد مبارزه بی امانی را شروع کردند. این مبارزات در سال ۵۱ به اوج خود رسید و بار دیگر دانشگاهها صحنه خونین مبارزات بین دانشجویان انقلابی و پلیس ضد خلقی شد. در این درگیریها تعداد کثیری از دانشجویان زخمی و تعدادی به شهادت رسیدند. سیعیتی که ساواک و پلیس در این سال در سرکوب جنبش دانشجویی از خود

سازمان های دانشجویی در سازماندهی اعتصابات اتوبوسرانی نقش عمده ای داشتند و شرکت وسیع دانش آموزان در این مبارزه نقش نیروهای جوان انقلابی را در این سال هر چه برجسته تر نشان داد. رژیم در اثر مبارزه گسترده و پیگیر تودهها ناچار به عقب نشینی شد و تودهها باردیگر قدرت خود را آزمودند. آنها در سال ۴۸ همچنین دیدند که چگونه جوانان و نوجوانان دانشگاهی و دانش آموزی پر شور و پرتلاطم مبارزاتشان را سازماندهی کردند و چگونه تا عقب نشینی رژیم در این مورد لحظه ای آرام نگرفتند. توده های ما از این نمونه فعالیت ها و جانبازیها از جوانان خود بسیار دیده اند و به همین دلیل هم هست که به راحتی نمی پذیرند آنان "خوابکارند" و یا به قول حاکمیت فعلی "ضدانقلابی اند". زحمتکشان ما می دانند هر جا و هر زمان که مبارزه ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم داشته اند، دانشجویان با شور و دانش انقلابی خود در کنارشان به جانبازی برخاسته اند. آنها می دانند زمانی که مبارزات میلیون ها مردم به خون کشیده و سرکوب می شد، دانشجویان انقلابی به دلیل داشتن دانش و آگاهی طبقاتی همچنان به مبارزه خود علیه دیکتاتوری و امپریالیسم ادامه می دادند. توده های ما خاطرات پرشکوهی از مبارزات خونین و دلاورانه جوانان دانشجوی خود دارند و به همین دلیل هم هست که سیاست های سرکوبگرانه حاکمیت کنونی در مورد دانشگاهها از نظر تودهها نه تنها محکوم است، بلکه آنان را به یاد سیاست های وحشیانه سرکوب رژیم شاه می اندازد. نفرت آنان را نسبت به دروغ گوئی های حزب جمهوری اسلامی و کشتارهای وحشیانه دانشجویان به دست سپاه پاسداران و باندهای سپاه برمی انگیزد. در سال ۴۹ هنگامی که یک دسته از سناتورهای امریکائی برای بررسی زمینه های سرمایه گذاری در

زحمتکشان می دانند هر جا و هر زمان که مبارزه ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم داشته اند، دانشجویان با شور و دانش انقلابی خود در کنارشان به جانبازی برخاسته اند.

میهن ما به تهران آمدند، باز دانشجویان انقلابی فریاد اعتراض خود را علیه سلطه امپریالیسم بلند کردند و بعنوان اعتراض به برخی از موسسات امریکائی حمله بردند. در این سال دانشجویان ابتدا دست به تظاهرات وسیع در داخل دانشگاهها زدند و بعد تظاهرات را از صحن دانشگاهها به محوطه خارج از دانشگاهها و تاحدودی به خیابان های شهر گشاندند. شعار دانشجویان در این سال "کارگر، بزرگر، اتحاد، اتحاد" بود. توده های ما این بار از زبان جوانان انقلابی خود شعاری را می شنیدند که خود در جریان مبارزات خود می رفتند که آنرا متحقق کند و ما تحقق این شعار را در دوران یکساله انقلاب و قیام شکوهمند ۲۲ بهمن دیدیم. در این سال رژیم جهت سرکوب دانشجویان متوسل

گرامی باد حماسه شهادت دلاورانه دانشجویان رزمنده و انقلابی دانشگاههای ایران

بمناسبت پنجمین سالگرد فتح سایگون (شهر هوشی مین) و آزادی کامل ویتنام (قسمت آخر)

ویتنام: در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم

جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم در ویتنام و اثرات آن

تجاوز سی ساله امپریالیست‌ها به خاک ویتنام نتایج مخرب و وحشتناکی برای مردم این کشور به بار آورد. بمباران ویتنام شمالی که چندین سال بطور مستمر انجام یافت ویرانی‌های فراوانی به وجود آورد. بطور نمونه مراکز دوازده استان و بیش از پنجاه بخش کاملاً از بین رفتند. تمام خطوط راه‌آهن و پل‌ها غیر قابل استفاده شده بودند و سیستم حمل و نقل دریائی و رودخانه‌ای از هم پاشیده شده بود. در روستاها ۱۶۰۰ شبکه آبیاری آسیب دیده بودند و صدها هزار هکتار زمین‌های مزروعی غیر قابل استفاده به جای مانده بود. ۳۰۰۰ مدرسه و ۳۵۰ بیمارستان بکلی ویران شده بودند. علاوه بر همه اینها اکثر شهرها به وسیله بمب دچار ویرانی شده بودند.

در جنوب وضع به مراتب بدتر بود. از ۱۵۰۰ دهکده ۹۰۰۰ تا در اثر بمباران با خاک یکسان گردیده بود. تعداد معلولین و زخمی‌های جنگ به یک میلیون نفر می‌رسید. ۸۰۰۰۰ کودک بی‌سرپرست برجای مانده بود. رواج فحشاء به وسیله آمریکا نیم میلیون فاحشه که به انواع امراض مبتلا بودند برجای گذاشت. ده میلیون نفر سکنه دهات بمباران شده آواره گردیده بودند. در روی زمین‌ها و مزارع اقصی نقاط کشور دست کم صدوپنجاه هزار تن بمب منفجر شده باقیمانده بود که هر روز ضایعات جدیدی ایجاد می‌کرد. رژیم سایگون چهار میلیون نفر بی‌سواد، یک میلیون بیوه، نیم میلیون معتاد به مواد مخدر و هزاران دزد و ولگرد برجای گذاشته بود. سیاست‌های وابسته این رژیم ۹/۵ میلیون نفر را بطور دائمی بیکار کرده بود و در آستانه پیروزی اوضاع از اینها هم بسیار وخیم‌تر شده بود. رژیم تئو سالانه ۲ بلیون دلار کمک‌های اقتصادی (برنج و ...) از آمریکا دریافت می‌کرد و با سقوط این رژیم میلیون‌ها نفر در عرض یک شب کار خود را از دست دادند. (بیش از یک میلیون پرسنل ارتش، یک میلیون کارمند دولتی و ...) صدها هزار تاجر کوچک که وابسته به رژیم تئو بودند با احتکار و انواع دغلکاری‌ها قیمت اجناس را بالا برده و بهران را تشدید می‌کردند. علاوه بر همه اینها چندین میلیون هکتار شالیزار، باغ و جنگل در اثر بمباران و مواد شیمیائی از بین رفته بودند و امراضی چون مالاریا، تیفوئید و وبا خطری دائمی ایجاد کرده بود.

انقلاب می‌بایست با همه این مشکلات و صدها مسئله دیگر دست و پنجه نرم کرده و جامعه ویتنام را از درون اینهمه خرابی‌ها به سوی آینده و ساختمان سوسیالیسم هدایت نماید. خلق ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام که در رهبری نبردهای سال‌ها پایداری داشته بود مصمم بود که با تمام این مشکلات مقابله کرده و با در هم شکستن آنها راه خود را به سوی آینده، به سوی صلح،

دموکراسی و سوسیالیسم به پیش برد.

نظری به اقدامات یکساله انقلاب در جنوب

یکی از مهمترین وظایف انقلاب تجدید تربیت سربازان، پلیس و کارگزاران رژیم سابق بود. پیشبرد این وظیفه که کنترل و تربیت بیش از یک میلیون نفر (منجمله ۴۰ هزار افسر) را در بر می‌گرفت بدون کمک و همکاری همه‌جانبه جمعیت خصوصاً سازمان‌های زنان، جوانان و ... امکان‌پذیر نبود. بازگردانیدن این افراد به خانواده‌هایشان و الحاق آنان به زندگی عادی شهروندان پس از سالها خدمت در دستگاه



خانواده قطعه‌ای زمین داده می‌شد و با کمک دولت کنوپراتیوهای (تعاونی‌ها) کشاورزی شروع به شکل‌گیری نمودند. در عرض یک سال و نیم بیش از نیم میلیون نفر از سایگون به مناطق جدید اقتصادی پیوستند. در منطقه دانانگ که بسیاری از اهالی آن در سال ۷۵ از ترس جنگ فرار کرده و آواره بودند مجدداً اسکان داده شدند و در شهرهای دیگر نیز اسکان جمعیت به سرعت پیش رفت.

روشنفکران انقلابی و دانش‌آموزان شهرهای مختلف دست‌یاری به سوی دهقانان دراز کرده و به کمک آنان شتافتند. جنوب ویتنام که خود منطقه برنج خیزی بود تحت رژیم تئو سالانه مقدار زیادی برنج از آمریکا وارد می‌کرد. اما برنامه‌های انقلاب به زودی این نیاز را برطرف نمود. آمار زیر این مسئله را اندکی روشن‌تر می‌کند. در ظرف یک سال ۱/۸ میلیون متر مکعب شبکه‌های آبیاری و ساختمان‌های مربوط به کشاورزی در اطراف سایگون ایجاد گردید. ۵۰۰۰ کیلومتر کانال آبی ساخته و یا تجدید ساختمان شد. همچنین ۹۵۰ کیلومتر رودخانه و دریاچه مصنوعی ساخته و یا تجدید ساختمان شده ۱۵۰۰۰ کانال و سدهای کوچک ساخته شد. ۲۰ هزار چاه ایجاد شده است و ...

دولت انقلابی در زمینه نابود ساختن طبقه بورژوازی وابسته بقیه در صفحه ۹

نواستعماری طبعاً با مشکلات بسیاری مواجه بود. انقلاب بسیاری از آنها را پس از رسیدگی به پرونده‌هایشان بدون قید و شرط آزاد نمود و تنها افسران و تعدادی عوامل بالای رژیم سابق را برای تجدید تربیت و پاکسازی در اردوگاه‌هایی مستقر ساخت. به این ترتیب آنها پس از طی دوره‌های تجدید تربیت سه ماهه، شش ماهه و ... و آزمایش‌های لازمه به جامعه بازگردانیده شدند.

انقلاب برای نابود کردن فرهنگ استعماری فیلم‌های مبتذل و سکسی، پوسترهای تبلیغاتی و مجلات منحرف را جمع‌آوری نمود و مردم همکاری وسیعی در این زمینه انجام می‌دادند. مراکز "احیای حیثیت زنان" برای آموزش فاحشه‌ها و مراکز متعدد ترک اعتیاد، کمک به ناتوان‌ها، یتیم‌ها و ... در سراسر جنوب برپا شد و کوشش همه‌جانبه‌ای برای تربیت مجدد فاحشه‌ها، معتادین و ... به کار گرفته شد. فرهنگ انقلابی در سراسر کشور گسترش یافت. فیلم‌ها، اشعار، سرودها و آهنگ‌های انقلابی مورد استقبال وسیع خلق قرار می‌گرفت و جوانان اشتیاق بی‌سابقه‌ای نسبت به آن نشان می‌دادند.

با استفاده از روش‌های آزمایش شده انقلابی، انقلاب بلافاصله به مسئله بی‌سوادی در جنوب پرداخت (در شمال بی‌سوادی تا سال ۱۹۵۸

امریکا تو خالی است ویتنام گواهی است

ویتنام: در راه صلح، دموکراسی و ...

بقیة از صفحه ۸

طرحریزی نموده و سراسر کشور تحت رهبری حزب برای تحقق این برنامه بسیج و سازماندهی شدند. در سال ۱۹۷۸ برای مثال تولید برق ۸۸۰۰۰ کیلووات ساعت آنتراسیت ۱/۹ میلیون تن، آپاتیت ۱۰۰۰۰۰ تن، منسوجات ۶۶ میلیون متر و ... افزایش یافته است. علیرغم شرایط نامناسب آب و هوا در سال ۷۷ و ۷۸ (سیل‌های بی‌سابقه و توفان‌ها) موفقیت‌های قابل توجهی در کشاورزی به دست آمد. تا آخر سال ۷۸ جمع زمین‌های مزروعی کشور به ۷/۶ میلیون هکتار رسید. مساحتی بیش از ۱/۶ میلیون هکتار زیر پوشش احیای زمین و آب رسانی قرار گرفت.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام در پنج سال گذشته در جهت تحقق اهداف انقلابی خود و ساختمان سوسیالیسم گام‌های وسیعی برداشته و در این راه از همبستگی و کمک‌های بی‌دریغ خلق‌های سراسر جهان، طبقه کارگر و کشورهای سوسیالیستی برخوردار بوده است. اکنون پنج سال بعد از پیروزی انقلاب در جنوب، ویتنام پیشقراول صلح، ترقی و سوسیالیسم در جنوب شرقی آسیاست.

مقایسه دستاوردهای انقلاب ویتنام با برنامه‌هایی که در یک سال اخیر در کشور ما انجام گرفته خود مبین این واقعیت است که انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی آن چگونه می‌تواند تمام نیروهای خلق را برای ساختمان جامعه و پیروزی کامل در جهت محور سرمایه‌داری و نظام استثمار انسان از انسان بسیج کرده و موفق شود. اما نیروهای غیر پرولتری به خاطر سازشکاری با نظام سرمایه‌داری قادر نخواهند بود قدم‌های اساسی در جهت نابودی سلطه امپریالیسم برداشته و دیر یا زود انقلاب را از مسیر پیروزی کامل منحرف خواهند کرد.

پیروزی‌های انقلاب ویتنام چه در جنگ آزادیبخش و چه در مرحله ساختمان سوسیالیسم تنها و تنها مرهون رهبری انقلابی حزب کمونیست ویتنام، خط مشی مستقل و انقلابی آن در پیاده کردن مارکسیسم-لنینیسم در شرایط مشخص جامعه ویتنام و برپاداشتن انترناسیونالیسم پرولتری است. حزب با رهبری درست استراتژیکی و تاکتیکی توانست در هر مرحله نیروهای خلق را به خوبی رهبری کرده و به پیروزی‌های بی‌دری برساند و اکنون در مسیر ساختمان سوسیالیسم نیز با درک عمیق مارکسیسم-لنینیسم جامعه ویتنام را به سوی پیشرفت و ترقی رهبری می‌نماید.

در پنجمین سالگرد فتح سایگون (هوشی مین) و پیروزی کامل انقلاب ویتنام ما خود را در شادی خلق دلیر ویتنام سهیم دانسته و مبارزه خود را در اتحاد و همبستگی با تمام نیروهای انقلابی جهان برای رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم و نابودی کاملاً سرمایه‌داری و امپریالیسم ادامه خواهیم داد. ما نیز خواهیم کوشید تا به این وصیت رفیق هوشی مین که می‌گفت:

«بیج چیز عزیزتر از استقلال و آزادی نیست»

درجهت رسیدن به آزادی و استقلال میهنمان از تجربیات انقلاب ویتنام به‌موزیم. زنده باد جمهوری سوسیالیستی ویتنام

"جمهوری سوسیالیستی ویتنام" را به خود می‌گیرد و هانوی را پایتخت کشور قرار داد. مجلس ملی همچنین یک کمیسیون برای تدوین قانون اساسی جدید کشور تعیین نمود و ویتنام از جولای ۱۹۷۶ رسماً دارای یک دولت واحد گردید.

تشکیل کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام

در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۶ چهارمین کنگره حزب کمونیست ویتنام تشکیل گردید و پس از استماع گزارش کمیته مرکزی حزب در ۲۰ دسامبر به اتفاق آراء آن را تأیید نموده و استراتژی مرحله جدید توسعه و تکامل انقلاب اجتماعی را تعیین نمود. این استراتژی وظیفه: "تبدیل ویتنام به یک کشور سوسیالیستی با اقتصاد صنعتی - کشاورزی مدرن، فرهنگ، علم و تکنولوژی پیشرفته، نیروی دفاعی مستقل و یک



زندگی معادتبخش را مشخص می‌کرد. کنگره خط ساختمان سوسیالیسم در ویتنام را این چنین ترسیم می‌نمود:

"حفظ قاطعانه دیکتاتوری پرولتاریا، ترغیب کارگران به سیادت جمعی، پیشبرد همزمان سه انقلاب، انقلاب در روابط تولیدی، انقلاب علمی و تکنیکی و انقلاب ایدئولوژیک و فرهنگی با محور قرار دادن انقلاب علمی و تکنیکی پیشبرد صنعتی کردن سوسیالیستی که وظیفه مرکزی مرحله گذار به سوسیالیسم می‌باشد. ساختمان سیستم سیادت جمعی سوسیالیستی، ساختمان تولید سنگین سوسیالیستی، توسعه فرهنگ جدید، ساختن انسان‌های جدید سوسیالیست از بین بردن رژیم استثمار انسان از انسان، از بین بردن فقر و عقب ماندگی، برپا داشتن بی‌وقفه دقت نظر، تحکیم دائمی دفاع ملی، حفظ امنیت سیاسی و نظم اجتماعی، ساختمان موفقیت‌آمیز سرزمین مادری ویتنام به یک کشور صلحدوست، مستقل متحد و سوسیالیست، کمک فعالانه به مبارزه خلق‌های جهان برای صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم." کنگره برنامه پنجساله (۱۹۷۶-۸۰) را

و از بین بردن رشوه‌خواری‌ها و اقدامات قاطع و سریعی انجام داد. تمام بانک‌ها فوراً ملی شدند. تجارت خارجی در کنترل و انحصار کامل دولت درآمد. تجارت خصوصی برنج (یکی از مواد اساسی مورد احتیاج مردم) لغو شد و بدین ترتیب قیمت برنج در کشور تثبیت شده تحت کنترل دولت درآمد. دولت برنج دهقانانی را نیز که کشت خصوصی داشتند، خود می‌خرید و برنج را با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار می‌داد. دولت به خانواده‌هایی که محتاج بودند برنج مجانی می‌داد. سازمان زنان نقش بسیار مهمی را در تقسیم عادلانه مواد غذایی به عهده گرفت و این امر را به‌خوبی انجام می‌داد. به زودی پس از انقلاب بیش از ۷۰۰۰ کارخانه بخصوص در قسمت صنایع سبک آغاز به کار نمودند. صنایع کوچک دستی رشد یافت و سهم قابل ملاحظه‌ای از تولید ناخالص جنوب را تشکیل داد که حتی برای صادرات هم استفاده می‌شد.

در شمال:

شمال از سالها قبل در جهت ساختمان سوسیالیسم برنامه ریزی کرده و در شرایط سخت جنگ ساختمان سوسیالیسم را به پیش رانده بود و در عین حال پشت جبهه مستحکمی را برای انقلاب در جنوب ایجاد کرده بود. در طول جنگ خرابی‌های زیادی در شمال ایجاد شده بود. تمام مراکز صنعتی بمباران شده و خسارت دیده بود. پل‌های جاده‌ها و راه‌آهن همگی ویران شده بودند. بعضی شهرها و بسیاری دهات با خاک یکسان شده و از بین رفته بودند. اما انقلاب ساختمان سوسیالیسم را همچنان به پیش رانده بود بعنوان نمونه بین سال ۱۹۶۵ تا ۷۵ یعنی ده سال تعداد بیمارستان‌ها در شمال از ۲۵۲ به ۴۴۲ و تحت خواب‌های آنها از ۶۹/۷۰۰ به ۱۰۹/۹۰۰ عدد رسیده بود. در عرض یکسال هزاران مدرسه بیمارستان و شیرخوارگاه که در اثر بمباران نابود شده بودند دوباره ساخته شدند.

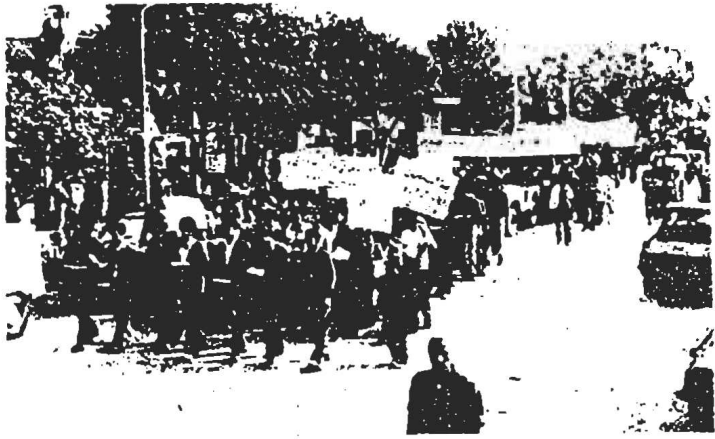
در زمینه کشاورزی، سیستم کشاورزی هیدرولیکی بیش از ۵۰۰ هزار هکتار زمین را فراگرفت و به سرعت در جهت آبیاری هیدرولیکی در سایر مناطق اقدام گردید. در مدت ۱۰ سال تولید الکتریسیته به ۲/۴ برابر تولید کودهای شیمیائی به ۲/۵ برابر و کارهای مهندسی به ۲/۵ برابر رسید. چندین مرکز عظیم صنعتی جدید ساخته شده و در یک کلام تجدید ساختمان خرابی‌های جنگ و تحکیم سوسیالیسم در شمال با سرعت بی‌سابقه‌ای پیش رفت.

در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۶ یعنی اندکی کمتر از یک سال بعد از فتح سایگون انتخابات سراسری برای تشکیل مجلس ملی جهت انجام وحدت کامل شمال و جنوب انجام گرفت. بیش از ۹۰٪ جمعیت در انتخابات شرکت کرده و ۴۹۲ نماینده از سراسر کشور از گرایش‌های مختلف سیاسی و مذهبی مختلف، از اقشار و طبقات گوناگون جامعه، انتخاب شدند. مجلس ملی در ۲۴ ژوئن تا ۳ جولای تشکیل گردید.

مجلس ملی اعلام کرد ویتنام متحد شده نام

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

راهپیمائی اول ماه مه در بجنورد



شد که ضمن تاکید بر نقش ویژه طبقه کارگر در گسترش و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌های مردم، از مبارزات کارگران و زحمتکشان برای احقاق حقوق اقتصادی و سیاسی‌شان پشتیبانی کرده و پیمان همبستگی‌شان را با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان تجدید کردند.

و معلمان در صفوفی منظم با شعارها و سرودها و تلاکذهائی که بیانگر ضرورت پیشبرد قاطعانه مبارزات صدامپریالیستی - دمکراتیک میهن ما و همچنین جلی اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان بود، این روز بزرگ راگرامی داشتند. دریابان این راهپیمائی قطعنامه‌ای قرائت

در سرکداسب روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) به دعوت گروهی از کارگران بجنورد، راهپیمائی باسکوهی برگزارند که در این راهپیمائی در حدود ۲۵۰۰ نفر شرکت داشتند. گروه‌ها و افسار مختلف مردم، عصر - کاران، ساکسی‌رایان، جوگاران، فضاها، دامداران حرا و دانش‌آموزان

نقش امپریالیسم فرانسه در غارت منابع نفتی

امپریالیسم فرانسه نه تنها در رشته نفت بلکه در رشته ماشین‌سازی، صنایع اتمی، راه و ساختمان، راه‌آهن، تلویزیون، مترو و... با قراردادهای امپریالیستی در غارت و استثمار مردم میهن ما نقش بسیار فعالی داشته است.

کارگران پیمانی آبیک

توطئه‌های کارفرما را نقش بر آب کردند

عنوان بهره‌مبلغ فوق به شرکت "اراپ" الزامی شد. نه تنها این قرار داد بلکه اکثر قراردادهای استعماری نفتی با کشورهای امپریالیستی هنوز به قوت خود باقی است. خاطرنشان می‌سازیم که شرکت فرانسوی "توتال" که از اعضای کنسرسیوم بین‌المللی نفت است، همیا با دیگر شرکت‌های امپریالیستی نزدیک به ۳۰ سال به غارت و چپاول منابع نفتی ما مشغول بوده است. امپریالیسم فرانسه نه تنها در رشته نفت، بلکه در رشته ماشین‌سازی، صنایع اتمی، راه و ساختمان، راه‌آهن، تلویزیون و مترو و... با قراردادهای امپریالیستی در غارت و استثمار مردم میهن ما، نقش بسیار فعالی داشته است. امپریالیسم فرانسه هم اکنون حاضر نیست که لغو قرارداد انرژی اتمی را بپذیرد، در نتیجه یک میلیارد دلار از ثروت ما را ضبط نموده است. اینها گوشه‌ای از عملکرد امپریالیسم فرانسه در سالهای گذشته و حال در میهن ما می‌باشد. کشورهای امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به‌خوبی نشان دادند که نه تنها در غارت منابع و استثمار مردم میهن ما با هم متحدند بلکه در تحریم اقتصادی و فشار سیاسی و نظامی بر خلق قهرمان و سایر خلق‌های جهان سانس واحدی را پیش گرفته و خواهند گرفت.

حدود ۲۵۰۰۰ بشکه نفت از میدان نفتی "سیری" واقع در خلیج فارس را به یغما می‌برد. مبلغ ۳/۵۵۰/۰۰۰ دلار بر بابت اولین فسطوام توسعه‌ای با بهره‌ای به مراتب بیشتر از دیگر سروام‌های امپریالیستی در نیمه‌ماه ۱۳۵۸ یعنی پنج ماه بعد از قیام، به شرکت فرانسوی "اراپ" پرداخت شده‌است که خود نشان می‌دهد این قرارداد امپریالیستی به همان صورتی که توسط رژیم گذشته امضاء شده بود، اجرا می‌گردد. قرارداد دوم که در سال ۱۹۶۹ منعقد شده بود، در منطقه کنگان در استان ساحلی به منبع عظیم گاز طبیعی دست یافت. شرکت فرانسوی می‌بایستی برنامه لازم برای توسعه میدان گاز و بهره‌برداری از آن را ارائه داده و منابع مالی آن را فراهم می‌نمود. لیکن شرکت "اراپ" اعلام عدم آمادگی نمود و مطابق آنچه در همان قرارداد به امضاء رسیده بود، می‌بایستی بدون دریافت دیناری قرارداد را فسخ می‌نمودند. ولی با توصیه دربار، قرارداد حداکانه‌ای برای فسخ قرارداد اصلی در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶ به امضاء رسید که به موجب آن شرکت ملی نفت مکلف گردید مبلغ ۱۲۶/۸۰۰/۰۰۰ دلار مخارج پرداختی توسط شرکت فرانسوی "اراپ" را در اقساط مساوی ۶ ماهه از تاریخ ۳۱ نوامبر ۱۹۸۱ به آنها برگرداند. علاوه بر آن مبلغ ۲۷/۲۰۰/۰۰۰ دلار به

دو قرارداد "سومیران" و "اکوکو" به ترتیب در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۹ با شرکت فرانسوی "اراپ" برای اکتشاف و استخراج و صدور نفت از حوضه‌های نفتی معینی در خلیج فارس و سواحل آن منعقد گردید. معاد هردو قرارداد امپریالیستی، با تفاوت‌هایی در جزئیات ماهیت آنها را نشان می‌دهد. این قراردادها هنوز به قوت خود باقی است. طبق همین قرارداد شرکت ملی نفت می‌بایست برای مخارج توسعه‌ای که به صورت وام به حساب شرکت ملی نفت منظور شده‌است، بهره‌ای معادل نرخ بهره بانک فرانسه به اضافه ۲/۵٪ به شرکت فرانسوی "اراپ" بپردازد و ۴۵٪ نفت تولید شده با حقیقت قابل توجه که طبق فرمول خاصی در قرارداد کنجاسده شده، محاسبه گردیده و در اختیار شرکت فرانسوی قرار می‌گیرد و علاوه بر آن شرکت ملی نفت موظف است که نسبت به عمده صادرات نفت خام ۲٪ قسمت به عنوان حق‌العمل فروش به شرکت فرانسوی "اراپ" بپردازد. طبق همین قرارداد دولت ایران مکلف است درآمد حاصل از فروش نفت را صرف خرید کالاهای فرانسوی در بازار فرانسه بکند. از دو قرارداد منعقد شده با شرکت فرانسوی "اراپ" آنکه در سال ۱۹۶۶ امضاء شد، به نفت رسیده و هم اکنون بطور متوسط روزانه

اتر بیکری و اتحادشان توانستند دستور استخدام را از وزارت کار بگیرند اما کارفرما بازم از استخدام آنها سر باز زد با اینکه پس از چندبار اعتراض و بی‌نتیجه ماندن اعتراضات، کارگران در روز شنبه ۳۰ فروردین مهدی سپهر را به گروگان گرفته و در طیفه دوم ساختمان آرمایشگاه متحصن می‌شوند. کارگران پس از یک شب تحصن موفق می‌شوند کارفرما را به قبول حواسنهاسان وادار نمایند. در جریان این تحصن و گروگان‌گیری، عده‌ای از کارگران با آگاه به تحرک کارفرما علیه کارگران سمانی دست به اعتراض می‌زنند، زیرا عوامل کارفرما به برخی از کارگران رسمی کفه بودند که حجاب کارگران سمانی رسمی نبود، سودوره و سایر مراای کارگران رسمی گاهس خواهد نامت ولی کارگران محصن ضمن آنکه حواسنهاسان را برای کارگران تحرک شده بوضوح می‌دهند، به‌افشای نقشه‌های ردن به احیای کارگران رسمی و سمانی می‌پردازند و بزرگ توطئه‌های کارفرما را نقش بر آب می‌کنند.

کارگران سمانی کارخانه سمان آبیک (فروس) مدتها است که حواسنهاسان رسمی شدن (پرداخت حق مکن، حق حواروبار، حق اولاد، اضافه حقوق و...) هستند ولی در مقابل، کارفرما با توسل به حیلدهان کرباکون مانع از استخدام رسمی آنها شده است. از حمله کارکنی‌های کارفرما یکی این بود که به تمام کارخانه بلکه به نام یکی از معاطعه‌کاران استخدام کرده‌بود با عدا محصور نمود آنها را به استخدام رسمی درآورد و قبل از آنکه مدت کار این کارگران به ۱۰۰ روز برسد با اخراج آنها از زیر بار هرگونه تعهدی (از نظر استخدام رسمی و پرداخت حقوق و مراای طبق قانون کار) سانه حالی کند که با مقاومت کارگران سمانی مواجه شد. کارفرما پس از آنکه در توطئه اخراج آنها شکست خورد به حیلده دیگری توسل نمود. بدین ترتیب که قبل از آنکه مدت کار کارگران به ۱۰۰ روز برسد، پس از گذشت ۳ ماه کارگران سمانی را به یک مرجعی اخباری ۱۵ روزه می‌فرستد. در مدت سه ماهه دوم کار، کارگران به وزارت کار فروین شکایت کردند و در

استقلال - کار - مسکن - آزادی

مبارزه و مقاومت...

بقیه از صفحه ۷

مبارزات زحمتکشان شد و دانشجویان و دانشآموزان پابهای کارگران و زحمتکشان بیخاسته با حماسهها آفریدند. ارتش سرکوبگر لجام گسیخته و بیمناک از چنین مبارزه‌ای رگبار مسلسل‌هایش را بی‌وقفه به روی مردم انقلابی گشود و چوبیاری از خون رزمندگان در خیابان‌های شهرها به راه افتاد. دیگر برای رژیم کارخانه، مزرعه، بازار، کوچه و خیابان، مسجد و دانشگاه فرقی نداشت. کابینه‌ها یکی بعد از دیگری عوض می‌شد، کابینه از هاری روی کار آمد. قیام دانشجویان و دانشآموزان در ۱۳ آبان ۵۷ یکی از عوامل سقوط کابینه از هاری شد و بار دیگر دانشگاه به خون کشیده شد. مردم ما به یاد دارند شبی را که تلویزیون صحنه‌ای از جنايات رژیم شاه را به نمایش گذاشت. آنها هرگز آن صحنه‌ها را فراموش نمی‌کنند. آنها دیدند که چگونه سربازان به فرمان فرماندهان مزدور خود سینه‌های دانشجویان را نشانه گرفتند. دانشجویان در آنروز با فریاد "مرگ بر شاه" به خون غلطیدند و در آن روز دانشگاه شهدای زیادی به جا گذاشت. با یورش ارتش به دانشگاه‌ها خشم و نفرت عمیق توده‌ها نسبت به رژیم هرچه بیشتر دامن زده شد و توده‌ها در کنار نیروهای انقلابی خلق، جوانان دانشجو و نوجوانان دانش‌آموز خود، شاه را ساقط کردند، پادگان‌ها را به تصرف درآوردند.

توده‌ها در آن روز هرگز تصور نمی‌کردند که بعد از سقوط شاه بار دیگر شاهد چنان صحنه‌هایی از کشتار جوانان خود باشند. آنها می‌دانستند که اگر قدرت حکومتی را به دست توانای خود بگیرند دیگر هرگز هیچ قدرتی نخواهد توانست دانشگاه

را به خون کشد. اما امروز زحمتکشان ما می‌بینند که چنین نشد، آنها در اول و دوم اردیبهشت ۵۹ یعنی یکسال و چندماه بعد از پیروزیشان در سرنگون کردن شاه، بار دیگر در نهایت ناباوری و تعجب شاهد صحنه‌هایی از کشتار و وحشیگری شدند که در تاریخ یورش سرکوبگرانه به دانشگاه‌ها کم سابقه است.

حزب جمهوری اسلامی با برنامه قبلی "انقلاب فرهنگی" را توسط عده قلیلی از دانشجویان در دانشگاه‌ها علم کرد و تحت این عنوان خواست که دانشگاه‌ها را از وجود نیروهای کمونست، ترقیخواه و انقلابی پاک کند. شورای انقلاب و بنی‌صدر نیز بسته‌شدن دفاتر سیاسی دانشجویان را عنوان کردند و در جهت عملی‌کردن برنامه‌های خود برآمدند. دانشجویان انقلابی دریافتند که برنامه‌هایی در کار است تا سمت مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها را به انحراف کشند. با تعطیلی دانشگاه‌ها از تشکل سیاسی دانشجویان پیوند جنبش دانشجویی با جنبش ضد امپریالیستی توده‌ها جلوگیری کنند. این را تجربه سالیان دراز مبارزه و مقاومت دانشجویان در سالهای قبل به آنها می‌گفت. دانشجویان انقلابی با تکیه بر تجارب خونبار خود در این زمینه و برای حفظ یکی از دستاوردهای قیام خونین خلق به مقاومتی دلآورانه در مقابل این یورش دست زدند. طراحان یورش به دانشگاه‌ها به قصد درهم شکستن مقاومت دانشجویان انقلابی دستور کشتار، دستگیری و اعدام دانشجویان را صادر کردند و به این ترتیب دانشگاه‌ها یکسال بعد از پیروزی خلق در سرنگونی شاه به خون کشیده شد و شهدای زیادی به جا گذاشت. در یورش وحشیانه باندهای سپاه و سپاه پاسداران به دانشگاه‌های سراسر ایران، دهها نفر از دانشجویان انقلابی شهید، صدها نفر زخمی و صدها نفر دستگیر شدند و اخیراً دو تن از انقلابیون اهواز در رابطه با حوادث خونین دانشگاه‌ها به دستور جنتی امام جمعه

اهواز و غرضی استاندارد البته با تأیید حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تیرباران شدند. توده‌ها انزجار خود را از چنین سیاست وحشیانه‌ای به شکل‌های مختلف نشان دادند. آنها از رادیو و تلویزیون خواستند که صحنه‌های درگیری دانشگاه‌ها را به مردم نشان دهند ولی تلویزیون عوامفریبانه دروغ شرم‌آوری را تحویل مردم داد مبنی بر اینکه هوا ابری بوده و نتوانسته‌اند فیلم تهیه کنند درحالیکه طبق اعلامیه‌ای که کارکنان انقلابی رادیو - تلویزیون داده‌اند، همان موقع هلی‌کوپترها از صحنه‌های خونین نبرد دانشگاهی فیلم برداشته و اینک در آرشیو رادیو - تلویزیون موجود است. آنها از اینکه توده‌ها با دیدن صحنه‌های وحشیگری باندهای شیاه و پاسداران به خشم آیند و صحنه حمله ارتش به دانشگاه‌ها در ۱۳ آبان ۵۷ برایشان تداعی شود، این دروغ بهیمرانه را تحویل مردم دادند اما مردم ما بسیار از این سیاست‌ها را آزموده‌اند.

ما ایمان داریم خشم فروخورده توده‌ها از جنایات بیشماری که بعد از قیام تاکنون از جانب حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و باندهای سپاه وابسته به آن صورت گرفته، دیری نخواهد گذشت که تبدیل به انفجاری عظیم خواهد شد و زحمتکشان ما برای پی‌ریزی دنیای آزاد و پرسعادت آینده خود به‌خواهند خاست.

زحمتکشان ما همچنانکه در سالهای پیش دانشجویان را در کنار مبارزات خود دیده‌اند، از این پس نیز همراه آنان به مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خود ادامه خواهند داد!

و دانشجویان انقلابی همچنان دوشادوش و پیشاپیش توده‌ها برای برپاداشتن دنیای نوین آینده گام خواهند داشت!

بقیه از صفحه ۶

سازمان نظامی، دولت مصدق و...

توده پوشش خود را از دست داد و زیر ضربات سنگین فرمانداری نظامی سرتیپ بختیار و اربابان امریکائی‌اش قرار گرفت و تا آخرین واحد آن لو رفت. مزید بر این ضربات فیزیکی، باید ضایعه جبران ناپذیری را که از نظر معنوی به حزب توده و افراد آن وارد شد ذکر کرد و آن دستور غلط و شرم‌آور کمیته مرکزی به افراد زندانی بود که توصیه می‌کرد برای نجات خود نسبت به حزب اظهار تنفر کنند و از مقامات حاکم درخواست بخشش نمایند.

۶- آقای کیانوری! صرفنظر از همه این مسائل مشکل خود را در یک کلمه خلاصه می‌کنم:

آیا حزب توده ایران یک حزب مستقل سیاسی طبقه کارگر است یا نه زائیده بورژوازیست؟ بطوریکه ادعا می‌کنید، حزب توده ایران، حزب مستقل طبقه کارگر است. خب، بنا به اظهارات کمیته مرکزی از انتشار جزوه "درباره ۲۸ مرداد" تا به امروز کوشش شما بر این بوده که می‌خواهید ثابت کنید بدون موافقت مصدق دست به هیچ اقدامی نمی‌خواستید بزنید. یعنی مثل یک محصل با تربیت و مطیع که برای هر امر واجبی انگشت بلند می‌کرده و از معلم اجازه می‌گرفته‌اید و بنا به گفته خودتان در تمام موارد، این معلم بکندنده به درخواست شما جواب منفي میداده است. پس ادعای شما درباره استقلال سیاسی بیپهوده است و حزب توده را بصورت دنبالمرو بورژوازی درآورده بودید.

نبود. تحلیل اکثریت اعضای حزب و سازمان نظامی که از نزدیک ناظر بر اوضاع روز ۲۸ مرداد بودند این است که کمیته ایالتی تهران به تنهایی و بدون استفاده از سلاح گرم قادر بود کودتا را در نطفه خفه کند و سازمان نظامی به عنوان نیروی ذخیره مورد استفاده قرار گیرد. یعنی چنانچه به فرض محال، تشکیلات تهران از عهده کودتاچیان بر نمی‌آمد، ضربه نهایی توسط واحدها و افراد سازمان نظامی وارد می‌شد.

گذشته از همه اینها باید قبول کرد که هر سازمان سیاسی، در لحظات مشخص تاریخی، وظیفه معینی به عهده دارد. حزب توده که تا قبل از کودتا، در روزنامه‌های خود با کوس و کرنا، شعار "کودتا را به ضدکودتا تبدیل خواهیم کرد" میداد و مردم را به عوض تجهیز به قدرت خود امیدوار می‌ساخت، در اثر بی‌عملی بکلی اعتبار خود را از دست داد. در صورتی که وظیفه تاریخی‌اش حکم می‌کرد که حتی در صورت احتمال عدم موفقیت وارد عمل می‌شد. در آن صورت می‌توانست اعتماد توده‌ها را به خود جلب کند و در اوضاع و احوال کنونی از پشتوانه انقلابی گذشته‌اش بهره‌برداری نماید. خنثی ماندن حزب و در نتیجه شکست سیاسی ۲۸ مرداد نه تنها بدنه حزب را از ضربه مصون نداشت بلکه سازمان‌های حزبی و از جمله سازمان نظامی را زیر ضربه مستقیم قرار داد و همگی شناخته و دستگیر شدند بخصوص با لو رفتن سازمان نظامی، حزب

سخن کوتاه. درد ما مبارزان نسل قدیم تنها اشتباهات گذشته رهبری حزب توده نیست بلکه درد تازه امثال ما این است که دستگاه رهبری حزب توده باز هم کوشش می‌کند برای حفظ و بقای خود حقایق را تحریف کرده و نسل جوان را از آموزش‌های تاریخی لازم محروم سازد. دستگاه رهبری کنونی "حزب" نیز مانند گذشته تنها همه توان خود را صرف تأمین دنباله روی جنبش کمونیستی و کارگری ایران از نیروهای غیر پرولتری می‌نماید و به این ترتیب در راه شکل‌گیری آن نیروی توانمندی که می‌باید پرچمدار پیروزی مردم و ایجاد ایران آزاد و دمکراتیک باشد، مشکلات و موانع به وجود می‌آورد.

با احترام مجدد به هیئت تحریریه نشریه "کار"

(*) - سازمان ما اعتقاد دارد که رهبران "حزب توده" بخصوص در سالهای گذشته در باره قدرت تشکیلاتی و رزمی "حزب" و سازمان افسران همی تصویرهای مبالغه آمیز و غیرواقعی را تبلیغ می‌کردند بطوریکه در اذهان توده مردم تصویر مبالغه آمیز و غیر واقعی از توان "حزب توده" به وجود آمده بود. البته این نافی نظریات نویسنه در مورد تحقیر سازمان نظامی توسط رهبری کنونی "حزب توده" نیست. آنچه که قابل تأکید است این است که هواداران ما نیز باید از این تجربه درسهای لازم را بیاموزند و از ارائه تصاویر نادرست و مبالغه آمیز از سازمان پرهیز نمایند.

فتودالها بکمک مسئولین دولتی

برای پس گرفتن زمینها می خواهند منطقه فارس را به خون بکشند

انقلابی در ابتدا برای خدمت به مردم وارد سپاه پاسداران، کمیته‌ها و دیگر نهادها و ارگان‌ها شده بودند ولی سیاست رهبران سپاه که از فتودال‌ها و زمین‌داران و سرمایه‌داران حمایت کرده و می‌کنند و با دستور به خون کشیدن تظاهرات کارگران بیکار و دهقانان را می‌دهند نمی‌تواند چنین جوانان پرشور و انقلابی را تحمل نماید چرا که اینان مانع مقاصد جنگ‌افروزان و ظالمانه فرماندهان سپاه می‌شوند. بنا براین با آنها را تصفیه کرده و خواهند کرد و یا خود آنان از سپاه کناره‌جوئی می‌کنند. اگر امروز این پاسداران انقلابی به این حقایق پی می‌برند، در آینده‌ای نه چندان دور تمام مردم ما به ماهیت جنگ‌افروزانه کسانی که می‌خواهند پاسداران را به عوامل سرکوب مردم تبدیل کنند و تاکنون نیز در خیلی از جنبه‌ها موفق بوده‌اند ایی خواهند برد.

فاجعه دردناک سروستان که با توطئه مشترک فتودال‌ها و دیگر عناصر مرتجع منطقه به وقوع پیوسته و در نتیجه آن دو برابر مسلمان و مبارز به نام‌های احمدعلی و حسین عسگری به دام توطئه ارتجاعی مزبور گرفتار و سپس در دادگاه انقلاب محکوم به اعدام گردیدند و برادر بزرگتر ایشان به نام غلامعلی عسگری به حبس طولی‌المدت محکوم شد... مجرم و محرک اصلی فاجعه شیخ عبدالنبی انصاری روحانی نمای سروستانی حتی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد و بلافاصله ارتقاء مقام نیز پیدا می‌کند در پایان می‌گویند: ما از این انحصارطلبی‌ها و تصفیه عناصر دلسوز و آگاه در دستگاه‌ها و ارگان‌های حساس انقلابی به امام امت هشدار می‌دهیم. ما بیم آن داریم که به زودی منطقه فارس را به آتش و خون بکشند و ترکمن صحراها و نغده‌های دیگری بیافرینند. ما بارها گفته‌ایم که عده زیادی از جوانان پرشور و

دست است، توسط ما (پاسداران) دستگیر می‌شوند اما یکی دو روز بیشتر نمی‌گذرد که آقایان این توطئه‌گران را آزاد می‌کنند. پاسداران مستعفی در استعفانامه خود ادامه می‌دهند: آقایان (مسئولین منطقه) تمام نیرو و انرژی خویش را صرف تفرقه‌اندازی و... و توطئه در مدارس و دبیرستان‌ها می‌کنند. اینها همه در زمانی صورت می‌پذیرد که عاملین کشتار خونین روز یکشنبه سپاه شیراز (پیش از قیام) روز حمله به شهربانی که حدود شصت تن شهید و پانصد تن مجروح شدند. پس از بازجوئی مختصری آزادانه به توطئه و تحریک مشغول می‌شوند و عناصر و فعالین ساواک منحل از قبیل تاک (رهبر عملیات ضدجاسوسی ساواک) نیکخو، (رهبر عملیات) فغانیان، (رهبر عملیات) هوشنگ سلیمی، (رهبر عملیات) معاون ساواک آباده) به سرعت یکی پس از دیگری آزاد می‌گردند هم چنین می‌نویسند: در

حوادث بامانیر ممسنی همه خوانین جانی و غارتگر دست بدست هم می‌دهند و با صدها نفر مزدور مسلح، عشایر محروم مسلمان را که برای دفاع از حقوق از دست رفته سالیانشان بها خاسته بودند به محاصره می‌کشند. در این میان سپاه و نماینده امام برای پایان بخشیدن به ماجرا وارد عمل می‌شوند اما به جای پشتیبانی قاطعانه از عشایر محروم و احقاق حقوق پایمال شده آنان با خوانین وارد مذاکره می‌شوند و کار را به جانی می‌رسانند که قرار می‌شود پاسداران به جای جیره‌خواران و مزدوران مسلح خوانین در سنگرها و رو در روی عشایر وارد عمل گردند. پاسداران مستعفی تاکید کردند که اگر هوشیاری ما نبود می‌رفت تا نغده و یا ترکمن صحرای دیگری در منطقه برپا گردد. در همین جریان سهراب خان ضرغامی کشکولی و محمدحسین دره شوری این عاملین سرسپرده رژیم سابق که مدارک همکاری آنان با ساواک منحل نیز در

پاسداران مستعفی از سپاه پاسداران استان فارس، در ابتدای استعفا نامه خود که به مقامات مسئول مملکتی ارسال داشته‌اند، انگیزه‌های ورود خود را به سپاه پاسداران خدمت به زحمتکشان و محرومان جامعه و مبارزه علیه ستمگران و جباران خوانده‌اند. آنها تاکید کرده‌اند که این امر تحقق نیافت و سپاه پاسداران در بیشتر موارد به حمایت از ظالمان برخاسته است تا جایی که فرمانده سپاه در نماز جمعه در حضور هزاران مسلمان از خوانین ظالم و توطئه‌گر منطقه حمایت می‌کند و این عمل دقیقاً در زمانی صورت می‌پذیرد که کشاورزان و عشایر ستمدیده ما که یک عمر هستی‌شان به وسیله همین خوانین سرسپرده به تاراج رفته است بر اثر فشار و تهدید آنان در استانداری فارس و شورای انقلاب در تهران به تظلم و دادخواهی نشسته‌اند. آنها در استعفانامه خود ادامه می‌دهند: در جریان

در قریه جیحون آباد از روستاهای صحنه کرمانشاه

دوتن از کسانی که علیه فتودال منطقه مبارزه کرده‌اند پی در پی به قتل رسیده‌اند

نمی‌خواهند که به این آدم‌کشی و جنایت‌طلبی رسیدگی کنند. فتودال‌منفور منطقه مذبحخانه تلاش می‌کند که از طریق به قتل رسانیدن روستائیان، روحیه مبارزاتی آنها را تضعیف کند و مانع مصادره انقلابی زمین‌ها توسط آنها شود. لیکن او و تمام فتودال‌ها و سرمایه‌داران کور خوانده‌اند. اینبار دیگر کارگران و دهقانان برای تصفیه حساب نهایی به پا خاسته‌اند و تا حق خود را نگیرند از پای نمی‌نشینند.

اعمال وحشیانه بازبگذارند به‌جای آنکه سرخ‌اصلی را بگیرند روستائیان زحمتکش دیگر و یا عده‌ای از قوم و خویش‌های کشته شدگان را بازداشت می‌کنند. در این شکی نیست که اینگونه جنایت‌تنها از فتودال‌ها و سرمایه‌داران یعنی دشمنان مردم ساخته‌است. اما دادگاه‌ها همانطور که تاکنون در کردستان، گنبد و... نشان داده‌اند، حامی منافع آنها هستند و

به‌هنگام شکار در کوه، با گلوله کشته شد. نحوه انجام این جنایت‌ها و نیز کسانی که به قتل رسیدند به وضوح نشان می‌دهد که فتودال منطقه و عوامل مزدور او مستقیماً در کشتار زحمتکشان روستا دست دارند. در این میان دولت و دادگاه‌های آن نیز پس از هر جنایتی که در روستا اتفاق افتاده، به منظور فریب مردم و برای آنکه دست فتودال‌ها را هرچه بیشتر در اینگونه

هلمین قریه "جیحون آباد" به نام "بیکلری" که به همراه زحمتکشان روستا در امر مصادره انقلابی زمینها شرکت کرده بود و همواره در جهت بالا بردن آگاهی و متشکل نمودن روستائیان فداکاری بسیار از خود نشان می‌داد شبانه در منزل مسکونی‌اش به ضرب گلوله به قتل رسید. در تاریخ ۲۵ فروردین ۵۹ نیز یکی از اهالی روستا به نام "ابرج سریری" که او هم برضد فتودال منطقه مبارزه کرده بود

قریه جیحون آباد در ۵۵ کیلومتری کرمانشاه قرار دارد. اکثر زمین‌های این منطقه یعنی سه قریه "جیحون آباد"، "گاگوند" و "احمد آباد" متعلق به حفراد ایمانی، فتودال بزرگ منطقه است. کشاورزان که اکثر اوقات زمین هستند پس از قبضه زمین‌های فتودال را مصادره کردند، اکنون مدتی است که با قتل پی در پی کسانی که در مصادره زمین‌ها شرکت داشتند، روبرو هستند. حدود سه ماه قبل یکی از

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

۱۸ اردیبهشت

سندج:

مردم کردستان صلح و آزادی ... بقیمار صفحه ۲



زخمی کش کرد، پس از جرحل با پهلای سرکوب و شکنجه، امروز بی حواهد رس را در صلح و آزادی نگارند
او هرگز حواسار جنگ برادر کشی نیست
از برای دفاع از صلح عادلانه و سرباز انقلاب جوس خلق شک بردوس گرفته است

جنگ با شدت هرچه تمام تر در سندج ادامه دارد. ارتش شهر را بی وقفه زیر آتش خمپاره و توپ و راکت گرفته است. مقاومت پیشمرگان قهرمان چندین بار مانع ورود ارتش و پاسداران به شهر شده است. مساجد بصورت بیمارستان درآمده اند و مردم از نظر دارو و مواد غذایی به شدت در مضیقه اند. جنایات ارتش به اوج خود رسیده است. مردم در زیر زمین ها زندگی می کنند. آب و برق شهر قطع است. اجساد هنوز در خیابانها مانده اند. بنکها (شورا - های محلی) وظیفه امداد و رساندن آذوقه و دارو را به عهده دارند. پزشکان و پرستاران صادقانه و بیگانه همراه عده ای از داوطلبین شب و روز به مداوای زخمی ها مشغولند اما در اثر نارسائی داروئی و امکانات پزشکی بسیاری از مجروحین بعد از خونریزی های شدید به شهادت می رسند. در سندج هر خانه ای که از آسیب خمپاره ها مصون مانده باشد بیمارستانی است. مدرسه ها نیز به از مجروحین جنگ تحمیلی گردستانند. امداد - گران پرشور با روحیه ای سرشار از ایمان بی وقفه در جهت آرمان انقلابی خود پیش می روند. آنان سرود خوانان به کار انقلابی خود مشغولند. مجروحین را صمیمانه می پذیرند و از هیچ تلاشی برای زنده نگاه داشتن هم میهنانشان فرو گذار نمی کنند. همبستگی مردم کردستان شکوه و عظمت وحدت تاریخی زحمتکشان را به نمایش گذاشته است.

بانه:

تپه آرباها " در آغاز درگیری ها در بانه توسط پیشمرگان کرد تسخیر شد و آن به بعد ارتش تلاش بسیار کرد تا تپه را از دست پیشمرگان درآورد چرا که از نظر نظامی این تپه بسیار حائز اهمیت است و ارتش که تاکنون نتوانسته است در اثر مقاومت و مقابله پیشمرگان و خلق رزمنده کرد، در شهرها پیشروی کند. برای استقرار نیروهای خود و بیماران شهرها احتیاج دارد که تپه های اطراف شهر را تسخیر نماید به این جهت برای چندمین بار به تپه "آرباها" در بانه حمله کرده و هزار بار به جا گذاشتن تلفات سنگینی ناچار به عقب نشینی شده است. در این روز نیز ارتش بار دیگر به تپه "آرباها" حمله کرد که با برجای گذاشتن چندین کشته و زخمی ناچار به عقب نشینی به پادگان شد و دو ارتشی مزدور نیز به اسارت پیشمرگان درآمدند.

۱۹ اردیبهشت

سندج:

امروز نیز مانند روزهای قبل ارتش همچنان از تپه های اطراف، شهر را زیر آتش خمپاره، راکت و توپ گرفته است. ارتش عمدتاً از سلاحهای سنگین استفاده می کند. حاصل شلیک های بی امان هوائی و زمینی ارتش در سندج ویرانی شهر و تلی از اجساد زحمتکشان است که خیابانها و کوچه ها را پر کرده است. در پیاده روی های شهر جوی خون راه افتاده است. فرصتی برای دفن اجساد نیست. بی غذایی، بی داروئی، کمبود پزشکی و پرستار، بی مسکنی و نداشتن سوخت، فشار فرایند های به روی زحمتکشان سندج می آورد اما مردم قهرمان سندج به مقاومت خود علیه تجاوزات و جنایات ارتش ادامه می دهند. در طی چند روز گذشته ارتش از خمپاره های آتش را استفاده نموده که علاوه بر به آتش کشیدن منازل مسکونی، عده ای را به ذغال تبدیل کرده است. علاوه بر این سلاحهای دور بین دار دارگن نیز به کار می رود. دو روز قبل یک ستون نظامی که از همدان می آمد سندج بود در دهگلان به دو بخش تقسیم گردید. یک بخش آن در "رسول آباد" مستقر شد. این واحد که به وسیله ۲۰ فروند تانک جیفتن

اسکورت می شد، در درگیری با پیشمرگان کرد چند خودرو و عده ای از افراد خود را از دست داد و متحمل تلفات سنگین شد. بخش دیگر این ستون که در "مارنج و مشورز" مستقر شده بود از رفتن به سندج و کشتار خلق کرد امتناع ورزید. پاسداران در سندج که قصد داشتند از طریق تپه "طوس نوذر" به شهر هجوم آورند، با مقابله پیشمرگان روبرو شده و بعد از تحمل تلفاتی عقب نشینی کردند. پیشروی ارتش و پاسداران در شهر به دلیل مقاومت پیشمرگان به سختی صورت می گیرد. آنها از تپه های اطراف شهر و مردم را زیر آتش می گیرند. در بیمارستان سندج یک دختر جوان که یک پای خود را در اثر اصابت خمپاره از دست داده است در حالیکه سرود شرفیاب را با تمام وجود فریاد می زند و با صدای رسا و سرشار از امید به پیروزی می خواند:

کردستان محبوبم انتها هدیه من به تو در راه آزادی پای من است! این هدیه مرا بپذیر!

چنین روحیه های سرشار از استقامت و پایداری را با چه سلاحی می توان درهم شکست؟ ایستاده و با قاطعیت افزاینده شهید شدن. سرود خوانان در مقابل رگلوله های

مزدوران سینه سپر کردن رسم توده ها است و سراسیمه به هر سو دویدن برای شکار انسان و به هر سباهی شلیک کردن نیز عادت مرسوم سرکوبگران و جنگ افروزان، این محکومین تاریخ است.

سقز:

مردم دلیر سقز و پیشمرگان قهرمانش زیر آتش خمپاره های ارتش به پایداری و مقاومت خود ادامه می دهند. در شلیک خمپاره های آتشزای ارتش عده ای از جمله یک پیر مرد به شهادت رسیدند. درگیری های امروز منجر به ویرانی عده ای خانه و مجروح شدن عده ای از مردم مارز سقز شد. در جاده سقز - بانه طی درگیری هایی که بین پیشمرگان کرد و ارتش رخ داد، تلفات سنگینی به این واحد ارتشی وارد آمد. در حالیکه کردستان همچنان در محاصره اقتصادی شدید به سر می برد، هواپیماهای بالبری سی ۱۳۰ مقدار زیادی آذوقه و مهمات به داخل پادگان سقز می ریزند. مزدوران ارتش که هر کدام علاوه بر حقوق ماهانه مبلغی به عنوان پاداش و تشویق دریافت می کنند، در غارت حاصل رنج کارگران، دهقانان و زحمتکشان ما با سرمایه داران و مالکان سهم می شوند. دولت غذا، دارو

بانه:

تا این تاریخ پادگان بانه همچنان در محاصره پیشمرگان قهرمان کرد است. عده ای از سربازان، درجه داران و افسران از اجرای دستور فرماندهان خود جهت کشتار و سرکوب خلق دلاور کرد سر باز زده اند. روز قبل هلی - کوپترهایی که به قصد رساندن مهمات به پادگان بانه در آسمان شهر به پرواز درآمدند بودند. با مقابله و آتش پیشمرگان روبرو شدند. ارتش همچنان روستای "قاپنه" را و "سی جان" را به زیر آتش راکت گرفته و عده ای از روستاییان زحمتکش را به شهادت رسانده است.

پاوه:

فانتوم ها روستاهای اطراف پاوه و مناطق آتشگاه، زردوئی دوآب و حتی پل دوآب یعنی تنها راه ارتباطی پاوه - نوسود را بمباران و منهدم

نموده اند. در اثر این بمبارانهای وحشیانه ارتباط بخشهای نوسود و نودشه و دیگر روستاهای این منطقه که از چندماه پیش در محاصره اقتصادی بوده اند، به کلی قطع شده است. رشد جنبش مقاومت خلق کرد، فرماندهان ارتش را آنچنان دچار وحشت و هراس کرده است که دیوانه وار و لجام گسیخته تنها فرمانی که صادر می کنند، کشتار زحمتکشان مارز کرد است.

سردشت:

سردشت نیز مانند سایر شهرهای کردستان زیر بمباران های هوائی ارتش به ویرانی کشیده می شود. اینجا همه چیز نشان از پایداری قهرمانان مردم دارد.

ارومیه:

"ملاحضی - عده ای از اوباشان جیره خوار خود را جهت تفتیش خانگی روستاییان، به دهات اطراف ارومیه گسیل داشته است. در درگیری های پراکنده ای که بین سپاه پاسداران با مردم روستاهای ارومیه روی داده است، تلفاتی به پاسداران وارد آمده و عده ای از زحمتکشان روستاها زخمی شده اند. در جاده های اطراف بقیمار صفحه ۱۲

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

مردم کردستان صلح و ...

بقیماز صفحه ۱۳

کردستان، پاسداران، ساغرین اتوبوسها را با زورسی بدنی و وسایل نقلیه را تفتیش می کنند. آنها از ورود هرگونه مواد غذایی و دارویی و همچنین ورود کادر پزشکی به شهرهای کردستان جلوگیری به عمل می آورند.

۲۰ اردیبهشت عجب سیر

در چندروز اخیر مردم عجب سیر شاهد فرار دسته جمعی سربازانی بودند که تن به فرمان فرماندهان مزدور برای کشتار خلق کرد نداده و نخواستند که دست به خون هم میهنان کرد خود ببالانند در شاهرود و تبریز نیز نمونه هایی از فرار دسته جمعی سربازان دیده شده است.

سردشت

به دنبال حمله هوایی فائتومها و هلیکوپترهای ارتش به روستاهای اطراف سردشت عده ای از مردم شهر را ترک کردند. هلیکوپترهای ارتش به یک آمبولانس که حامل عده ای زخمی بود، حمله کردند و این عمل غیر انسانی و وحشیانه آنان مورد اعتراض شدید کارکنان بیمارستان سردشت قرار گرفت و آنان طی اعلامیه ای نفرت خود را از این عمل ضد انسانی ابراز داشتند. مزدوران ارتش طی جنگ تعمیلی جدید به کردستان وحشیانه ترین جنایات را در حق گروه های پزشکی و امداد و کارکنان بیمارستانها مرتکب شده اند لیکن پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستانها با ایمان و صداقت بی نظیری به وظایف خطیر خود عمل می کنند.

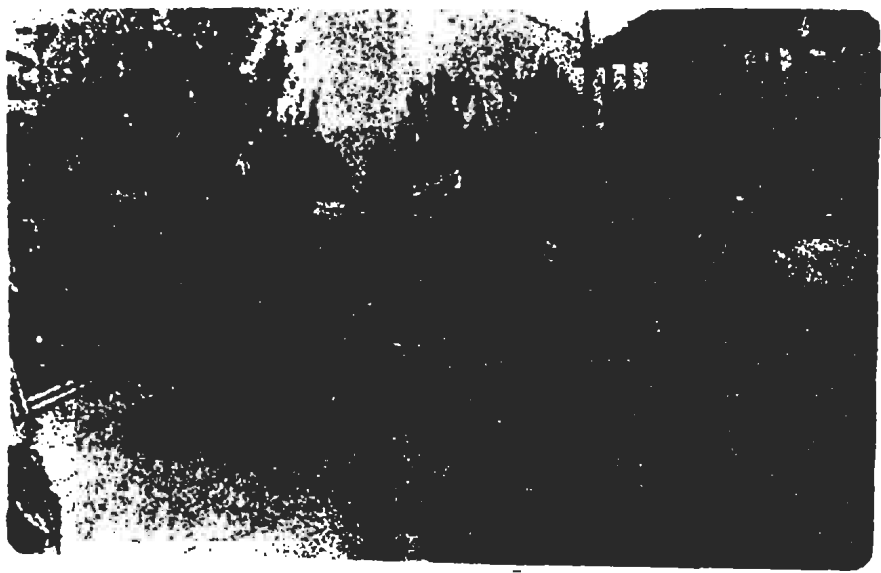
بناب

بار دیگر عده ای از روستائیان زحمتکش کرد که برای کار در کوره پزخانه از بناب عازم تبریز بودند توسط پاسداران به گروگان گرفته می شوند. پاسداران آنها را به پاسدارخانه برده و در حیاط پاسدارخانه به زیرشان آب باز می کنند و تن غیس آنها را شلاق می زنند. نصف شب چشمان آنها را بسته و می گویند شما به اعدام محکوم شده اید. با چشمان بسته آنها را به خارج شهر برده و در آنجا تیراندازی هوایی می کنند. پاسداران با این عمل وحشیانه خود قصد داشتند بهینند کدامیک از این روستائیان سرود خواهند خواند یا شعار خواهند داد تا بدین وسیله انقلابیون را از بین آنها شناسائی کنند.

سقز:

شهر خالی از سکنه است اما ارتش همچنان شهر خالی

مردم مهاباد در سخت ترین شرایط اول ماه مه را جشن گرفتند



مهاباد

کارگران و زحمتکشان مهاباد با راهپیمائی و میتینگ با شکوهی عید بزرگ کارگران را جشن گرفتند. پیشاپیش صف کارگران و زحمتکشان که هریک ابزار کار خود را در دست داشتند پوسترهای بزرگی در رابطه با اول ماه مه در حرکت بود راهپیمایان یکپارچه فریاد می زدند:

کارگران جهان متحد شوید و به این ترتیب همبستگی مبارزاتی خود را با طبقه کارگر سراسر ایران و جهان اعلام می کردند.

جمعیت انبوهی از قبل در محل برگزاری میتینگ گرد آمده بود و همین که صدای شعارهای راهپیمایان به گوش رسید، یکپارچه جمعیت حاضر در محل به

خروش درآمد: "فریاد هر کارگر، فریاد هر بزرگوار، کار، مسکن، آزادی"

سر و صدای سه چرخه های موتور کارگران و زحمتکشان به مراسم شکوه و عظمتی خاص بخشیده بود. جمعیت یکپارچه فریاد بود. یکپارچه شور مبارزه بود. فریاد علیه کشتار وحشیانه کارگران و زحمتکشان کرد.

کرمانشاه

شور مبارزه برای آینده ای تابناک که در آن نشانی از فقر و گرسنگی و ستم نیست.

میتینگ کارگران پیشرو که به مناسبت روز همبستگی کارگران جهان، اول ماه مه برگزار شده بود، یکبار دیگر وحشت و هراس صاحبان قدرت و مکتب را برانگیخت

آنها که از هر حرکت مستقل کارگران پای تا سر بر خود می لرزند، با کسب چاقو تهاجم قرار دادند. قداره بندها و چاقو کشان به صفوف کارگران حمله بردند. برخورد خونینی روی داد و به سایر نقاط شهر گشیده شد. در جریان این درگیری یک کارگر پیشرو و یک دانش آموز پیشگام به شهادت

رسیدند و بیش از ۸۰ تن زخمی شدند.

نقد

تهاجم چاق بدستان و باند های سیاه طبقه سرمایه دار، در این شهر نیز مانع برگزاری جشن اول ماه مه شد.

جوانان پیشگام بوکان

برای یاری به مردم سقز اردوگاه های صحرانی ساختند

مردم سقز برای در امان ماندن از آتش خمپاره و بمب و توپ و راکت، خانه و کاشانه خود را رها می کنند و به شهرها و دهات اطراف می روند.

اردوگاهی را با مردم در میان می گذارند. طرح رفقای پیشگام مورد استقبال گرم مردم قرار می گیرد و همگی طبق برنامه کاری که پیشگامان جوان و رزمنده ارائه داده بودند، دست به کار می شوند. استادبوم ورزشی شهر را به عنوان محل اردوگاه انتخاب می کنند. چادرها را در این محل برپا می کنند. درمانگاه اندادی در وسط اردوگاه به ابتکار رفقای پیشگام دایر می شود، آشپزخانه بزرگی نیز که مسئولیت اداره اش با رفقای پیشگام است در اردوگاه ساخته می شود. کارها تقسیم می شود. کمیته روابط عمومی با شرکت ۱۵ نفر از خود مردم به وجود می آید که فقط یک نفر مسئول بهداشت اردوگاه از این ۱۵ نفر از رفقای پیشگام است.

میهنمان هم رزم خود استقبال نمود اما به دلیل محاصره اقتصادی شدید، تامین غذا، دارو و سوخت برای ۳۰ هزار مهاجر با مشکلات فراوانی مواجه شد. انبوه جمعیتی که از جنبانندگان ارتشی نفرتی عمیق به دل گرفته اند، در سرتاسر شهر بوکان جلسات بحث و گفتگو و مشاوره به راه انداخته اند. آنها از تجاوزات و جنایات ارتش و پاسداران به همدیگر می گویند سیاست جنگ افروزان را محکوم می کنند و از صلحی عادلانه دفاع می نمایند. از طرف دیگر کمبود اوراق عمومی دارو، سوخت و مسکن آنها را به فکر چاره انداخته است. در این میان جوانان پیشگام بوکان با هوشیاری انقلابی خود به موقع وارد عمل می شوند و طرح برپائی

با گسترش جنگ تعمیلی مجدد در کردستان، عده ای از اهالی شهر سقز برای در امان ماندن از آتش خمپاره و توپ و راکت ارتش، خانه و کاشانه خود را رها کرده و به بوکان مهاجرت کردند. آنان نه تنها برخلاف تبلیغات رادیو-تلویزیون از ارتش با آغوش باز استقبال ننمودند بلکه با ورود ارتش و پاسداران به شهرستان، امنیت خود را در خطر دیدند و با تخلیه شهر اعتراض خود را نسبت به ورود ارتش نشان دادند.

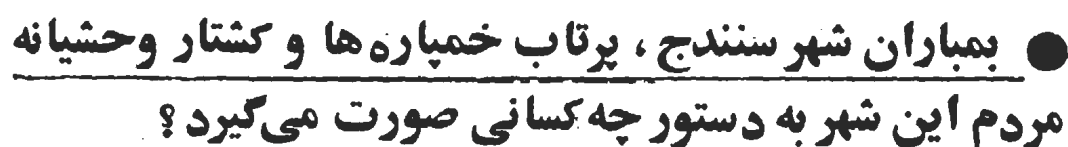
با روی آوردن سیل مردم به بوکان، تراکم جمعیت این شهر فزونی گرفت. مردم بوکان تامین مسکن و غذای مهاجرین را به عهده گرفتند هر خانواده بوکانی چند نفر از مهاجرین را در خانه اش جا داد و به گرمی از

تصحیح خبر

"کار" ویژه کردستان
شماره ۳

در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ صفحه اول ستون دوم - پاراگراف دوم، نوشته بودیم: "سازمان ما متعاقب اعلام آتش بس... خبر به این صورت تصحیح می شود: سازمان ما قبل از اعلام آتش بس از طرف هیئت نمایندگی، اعلامیه ای درباره برقراری آتش بس در تاریخ ۵۹/۲/۱۰ داد که متن کامل اعلامیه در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ آمده است"

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۹

سازمان‌های سیاسی کردستان و پیشمرگان خلق کرد تا کنون دوبار اعلام آتش بس کرده‌اند و با تمام توان خود خواستار قطع جنگ و استقرار صلح عادلانه در کردستان شده‌اند با این همه فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران همانطور که در مطبوعات رسمی کشور نیز درج شده است از هرگونه آتش بس خودداری کرده و بر ادامه جنگ و کشتار مردم کردستان اصرار دارند. مدافعان سرکوب خلق کرد، که رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل تبلیغاتی را در اختیار دارند، با دروغ و وارونه جلوه دادن حقایق مربوط به کردستان کوشش می‌کنند مردم را فریب دهند و حقایق جنگ را از آنان پنهان نگاهدارند. مدافعان سرکوب خلق کرد، آشکارا از جنگ برادرکشی دفاع کرده و قطع بمباران‌ها و پایان جنگ در کردستان را "خیانت" به خلقهای ایران توصیف می‌کنند. آنان بی‌شرمانه در شرایطی که میهن ما در معرض انواع تجاوزها، توطئه‌ها و دسایس امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن قرار دارد، در شرایطی که پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان مردم ما وحدت هرچه بیشتر خلقهای قهرمان ایران را ضروری ساخته است، در شرایطی که مخرب‌ترین نیروی نظامی امپریالیسم امریکا در خلیج فارس و سرزمین‌های زیر سلطه خاورمیانه کمین کرده است تا خلقهای مبارز ما را به خاک و خون کشاند، در راه گسترده‌تر کردن دامنه جنگ تحمیلی کنونی تلاش می‌کنند و درصددند جنگ و کشتار را در سراسر کردستان گسترش دهند. آنان برای تضعیف مبارزات ضدامپریالیستی مردم ما، تلاشهای مذبوحانه‌ای را آغاز کرده‌اند. آنها در شرایطی که خلقهای میهن ما بیش از هر زمان به وحدت عمل

دریافت شده

[illegible]



مادر نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات پولی و جمع آوری اسکناسهای درشت را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست پولی دولت

میلیون ها تومان به مردم میهن ما ضرر رساند

داخل کشور باشند و از ربهالهایی که توسط کارگزاران آنان به دستشان می‌رسد، استفاده کنند. بدین ترتیب نقل و انتقال ارز قاچاق خود تجارتی پرسود می‌شود. در بسیاری از موارد دو سر جریان قاچاق ارز به یک جا ختم نمی‌شود. تاجر صادرکننده یا وارد کننده که می‌تواند با سوء استفاده از موقعیت خود مقداری ارز خارجی را به نرخ رسمی در حساب خود در خارج نگهدارد، این ارز را در داخل با نرخی بقیه در صفحه ۲

باز می‌گردانند. این قاچاقچیان ارز چه کسانی هستند؟ اینان تجار بزرگی هستند که از یک طرف می‌توانند از طریق تیرنگهایی که در کار صادرات و واردات وجود دارد، در حسابهای خود در بانکهای خارجی ارز نگهداری کنند و از طرف دیگر برخلاف غارتگران فراری می‌توانند در ماههای بهمن و اسفند ۱۳۵۷ به حدی بود که اسکناسهای درشت کمیاب شده بود. این اسکناسها را غارتگران فراری در خارج به قاچاقچیان ارز می‌فروشنند و آنان نیز اسکناسها را به ایران بزمی‌گردانند. سود قاچاقچیان ارز در این است که اسکناسهای ایرانی را به قیمتی بسیار ارزان

در دو هفته گذشته، دولتها، طی ۱۵ ماهی که از بالاخره پس از پانزده ماه تأخیر و تعلل دولت اعلام کرد که اسکناسهای هزار تومانی را تا آخر ماه جاری از دور خارج خواهد کرد. ما در همان نخستین هفته‌های بعد از قیام ضرورت اتخاذ چنین سیاست پولی را اعلام کرده بودیم و در نتیجه تعلل شورای انقلاب و قاچاق پول ایرانی در

بهم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به

جبهه خلق برای آزادی ساقی الحمرا و ریودواره پولیساریو

به مناسبت سالگرد تشکیل جبهه پولیساریو

رفقای انقلابی!

شادباشهای رفیقانه ما را به مناسبت این روز تاریخی بپذیرید. مبارزات عادلانه و برحق خلق صحرا برای کسب استقلال و آزادی و رسیدن به جامعه‌ای مستقل با زیربنای سوسیالیستی، تحت رهبری جبهه پولیساریو تاکنون ضربات بی در پی و شدیدی بر پیکر استعمار فرتوت اسپانیا، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست نشانده آنها چون رژیم ارتجاعی سلطان حسن وارد کرده، و موجب شور و شغف نیروهای انقلابی سراسر جهان گردیده است. تشکیل جمهوری دموکراتیک عربی صحرا که از طرف بسیاری از جنبشهای آزادیبخش و کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان به رسمیت شناخته شده است، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم صحرا جهت رسیدن به اهداف تاریخی خویش است. پیروزی‌های مستمر انقلابیون صحرا چشم‌انداز روشن پیروزی نهائی را به‌خوبی ترسیم نموده است و دیر نیست روزی که خلق صحرا سراسر خاک میهن خود را از لوث وجود نیروهای استعماری امپریالیستی و ارتجاعی پاک نموده و جامعه آزاد و دموکراتیک خود را بنا نهند.

خلق‌های ستمدیده سراسر جهان و از آنجمله خلق‌های ایران و صحرا در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع در کنار یکدیگر قرار دارند و مبارزه خود را مشترکاً و با همبستگی عمیق انترناسیونالیستی به پیش می‌برند و در این راه از حمایت و همبستگی اردوگاه سوسیالیستی و طبقه کارگر جهانی برخوردار می‌باشند و با نیروی لایزال خیلود سرانجام امپریالیسم را به گور خواهند سپرد. خلق‌های قهرمان ایران همبستگی خود را با مبارزه خلق صحرا علیه دشمن مشترک امپریالیستی همواره اعلام داشته و خود را در پیروزی‌های شما سهیم می‌دانند. در سالگرد این روز تاریخی یک بار دیگر گرم‌ترین درودهای خود را به شما اعلام داشته و دست شما را در مبارزه مشترکمان می‌فشاریم.

پیروز باد مبارزات خلق‌های صحرا و ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۹

در شماره آینده "کار" بررسی مختصری در باره تاریخچه جنبش آزادیبخش خلق صحرا در راه رسیدن به استقلال و آزادی درج خواهد شد.

چرا علیه نیروهای انقلابی بخصوص فدائیان خلق

اخبار جعلی منتشر می‌کنند

"سخنگوی کمیته مرکزی امروز اعلام کرد: یکی از اعضای شاخه نظامی گروه بختیار همراه با ده عدد بمب‌دستی، یک عدد نارنجک دست‌ساز، مقدار زیادی اعلامیه‌های چریکهای فدائی خلق و اعلامیه‌های چپی دیگر هنگام کار گذاشتن بمب در یکی از خیابان‌های تهران توسط گروه ضربت کمیته مرکزی دستگیر شد...."

در پایان این مطلب دوباره چنین نوشته شده است: "وی ادامه داد هنگام دستگیری از شخص نامبرده اعلامیه‌های چریکهای فدائی و اعلامیه‌های گروه‌های چپی و ده بمب دستی و یک..."

امروز هرکس که ذره‌ای آگاهی سیاسی داشته باشد، بخوبی می‌داند که اینگونه اکاذیب که بازها در روزنامه‌ها چاپ شده و رادیو شب و روز امثال آن را به خورد مردم می‌دهد، تا چه حدی بی‌پایه و بی‌اساس است. نه تنها مردم این دروغهای کثیف را باور نمی‌کنند بلکه قطعاً و همانگونه که تاکنون دیده‌ایم اشاعه اینگونه اخبار و تلاش برای بی‌اعتبار ساختن نیروهای انقلابی خلق، که شاه و ساواک او از مبتکران آن بودند، همواره باعث بی‌اعتمادی و نفرت و بی‌زاری هرچه بیشتر مردم از منابع و سرچشمه‌های این جعلیات شده و عملاً وسیله‌ای برای شناختن ماهیت جاعلین آن بوده است. اما به هرحال این جعلیات می‌تواند کسانی را که هنوز از حداقل آگاهی‌های سیاسی برخوردار نیستند، بفریبد و آنان را از شناخت دوست و دشمن برای مدتی باز دارد.

اشاعه و چاپ اینگونه جعلیات هدفهای زیر را دنبال می‌کند:

۱- پنهان کردن دستهای جنایتکاری که با بمب‌گذاری در اماکن پرجمعیت، آتش زدن کتابخانه و به خون کشیدن اجتماعات مردم و ایجاد رعب و وحشت، قصد دارند این تصور را در مردم ایجاد کنند که بدون قدرت گرفتن نیروهای امنیتی (ساواک و شبکه‌های جاسوسی) و فرماندهان نظامی وابسته به امپریالیسم آمریکا، این ناپسانمانی‌ها و خرابکاری‌ها ادامه خواهد یافت و بدین وسیله زمینه را برای تقویت هرچه بیشتر شبکه‌های امنیتی، تقویت ارتش و حکومت نظامیان فراهم کنند. بدیهی است که مادام که این دستهای جنایتکار ناشناخته بمانند، به راحتی می‌توانند به هدفهای شوم خود ادامه دهند.

۲- کسب اعتبار برای عناصر سرسپرده‌ای چون بختیار و غیره از طریق چسباندن آنها به نیروهای انقلابی. این کار روحیه ساواکی‌ها و عناصر سرسپرده به امپریالیسم را تقویت می‌کند و آنان را به ادامه اعمال خویش تشویق می‌نماید.

۳- ایجاد بدبینی و عدم اعتماد در مردم نسبت به آشتی ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم آمریکا.

۴- ایجاد زمینه برای تهاجم علیه نیروهای انقلابی و سرکوب آزادی‌های سیاسی و همه ثمرات انقلاب.

۵- ایجاد تشتت در میان مردم و جلوگیری از آگاهی و اتحاد مردم که امروز برای مقابله با امپریالیسم آمریکا بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد.

روشن است که جعل و اشاعه اینگونه اکاذیب بیش از همه امپریالیسم آمریکا را که دوستان و دشمنان خود را می‌شناسد، خوشحال و خشنود می‌کند. بدون شک کسانی که طراح و مجری این برنامه‌های بی‌شرمانه هستند، عده‌ای از سران آگاهی و قطعاً برخی با آگاهی کامل در خدمت امپریالیسم آمریکا قرار دارند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر